




کتابخانه
جمهوری شورای
اسلامی

بازرسی شد ۶۳ - ۶۲ ۱۶		کتابخانه مجلس شورای ملی اسم کتاب: در آئین مجسمات شاه مؤلف: حیدر علی بیات موضوع: تألیف - شعر	 مؤسسه: ۱۳۰۲ شماره دفتر: ۲۷۱ ۱۷۹
----------------------------	--	---	---

بازدید شد
۱۳۸۱

بازدید شد
۱۳۸۱

کتابخانه مجلس شورای ملی
 ۵۹۸/۵
 رکب ۵
 ۱۳۰۲

بازدید شد
۱۳۸۱

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۵۹۸۱۶
۱۳۸۱
۱۳۸۱

بازرسی شد		کتابخانه مجلس شورای ملی
۶۳-۲۷		
مؤلف: میرزا محمد باقر		اسم کتاب: رساله در حکم سیاست
موضوع: تاریخ		
شماره دفتر: ۲۷۱		مؤسسه: ۱۳۰۲
۱۷۹		

cm 1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21
INCH 1 2 3 4 5 6 7 8

کتابخانه
مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۰۲



فهرست رساله رسم محاسبیت به مثبایت شکل
شکل ۱ در تعریف دایره بوسطه آن تحصیل
 و خط وسط متساویاتین در خط معلوم شود
شکل ۲ در بیان آنکه قطر دایره که بوسطه آن تحصیل
 و خط وسط متساویاتین در خط معلوم شود
 قطر دایره متساوی الاضلاع که نصف آن خط اول معلوم
 دیگر خط رابع و در این رساله دایره قطع گویم قسم دایره
 قسم اول شکل دوم
 قسم ثانیه
 قسم ثلث

بنام

تسبیح قسم اول شکل ب
شکل ۱ در بیان آنکه در جانب دیگر قطع از دایره متساوی الاضلاع
 که یک ضلع اول معلوم و یک خط رابع معلوم متساوی الاضلاع
 متساوی و متساوی و متساوی الاضلاع معلوم شود
شکل ۲ در بیان دی خطوط و دایره نصف وتر
 قطع و در دایره که قطع از دایره متساوی الاضلاع و در جانب
 وین و در قطع و در خط مستقیم قطع دایره متساوی
شکل ۳ در تعریف و بیان مقدم بر رسم قطع
شکل ۴ در رسم قطع
شکل ۵ در تحصیل خط متساویاتین معلوم
شکل ۶ در رسم کعب و دی متساوی عرض

شکل ۱ در رسم مکتب مساوی ضعیف یا مثال مکتب مفروض ۴۲

شکل ۲ در رسم مکتب مساوی بقدر یک نسبت

بمقیاس واحد از استرکی کثیر باشند ۴۵

شکل ۳ در رسم مکتب مساوی خرد از اجرای

مکتب مفروض یا خرد از اجرای بمقیاس متعینی مثل خرد

از اجرای مکتب ذرع و غیره ۴۹

شکل ۴ در رسم مکتب مساوی خرد از اجرای کثیره

بمقیاس متعین واحد مثل ذرع و غیره ۵۳

شکل ۵ در رسم قطع مخروط مشبه از مخروط مفروض

بنسبت ۵۵

شکل ۶ در رسم مخروط مساوی مخروط مفروض یا استرکی

شکل ۷ در رسم

شکل ۸ در رسم مخروط مساوی مکتب مفروض ۶۰

شکل ۹ در رسم مخروط مساوی مکتب مفروض ۷۰

شکل ۱۰ در رسم مکتب مساوی یا ابعاض کره مفروضه ۷۶

شکل ۱۱ در رسم کره مساوی مکتب مفروض ۷۹

شکل ۱۲ در رسم کره مساوی محتمل مفروض ۸۲

شکل ۱۳ در رسم کره مساوی مثال یا ابعاض

مکتب مفروض یا محتمل مفروض ۸۳

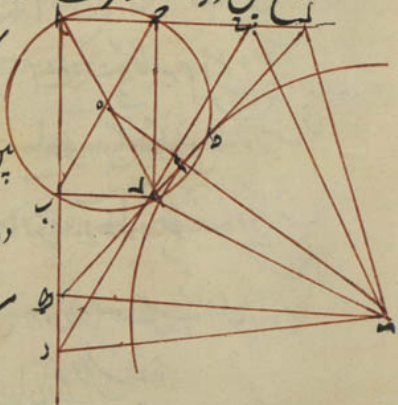
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين وصلى الله وسلم على خير خلقه
محمد وآله الطاهرين **عجل الله فرجه** ان رسالته است
قطع را به تحصیل در خط وسطین در مجموع که هر چهار
خط متناسب و متوالی باشند یعنی نسبت خط اول خط ثان
مثل نسبت خط ثان خط ثالث و خط ثالث خط رابع باشد
در رسم تمامات متباینه نسبت تا قطع مخروطات
از مخروطات و ملکات از ملکات نسبتی تا که در سال
اول از قرن ثانی از عظمت قوی شوکت و دولت

و اما

با دیدن دست علیه سلطان عادل عادل سلطان بن
سلطان بن سلطان بن سلطان بن سلطان بن سلطان
ابو نصر **محمد بن** قاجار خدایه مکه و دوله
مواظق شده بخوار و دوست و نو و جوی را به تحصیل
عجل الله فرجه با آلف التمهید فی طریقہ بن سید محمد ط
بیات نیابوی با آنکه اگر کتب قطوع مخروطات ندیده
نداشت در آخر کتاب اصول مستحضر فکیر که
فخر تحقیق بنصر المله و الدین خواجہ سیر الدین
اعلا الله منه در تحصیل در خط وسطین در مجموع
متناسب و متوالی حواله بعضی مخروطات ابو یونس
نموده اند و کس حقیر در تفحص آن کتاب برآمده میاست

بفکر ناقص خود شکالی رسم و بشکال اصول
 مبسّطین بهمین نموده کتاب مشتمل بر بیت
 شکل **شکل** هر دایره که مرکز آن را دایره متوازی
 الاضلاع قائم الزوایا قطع کند دایره بر آن متوازی
 الاضلاع را در دو خط وصل بین مرکز آن دایره و خط
 در خط مست و وضع را دایره متقابل آن را دایره
 مساوی باشند و در خط بین مرکز آن دایره و
 دو طرف خطی که از آن را دایره متوازی قطع کند
 خصل و قطع آن در خط مست و وضع را دایره متقابل
 مساوی باشد و خط وصل بین قطع و در خط مست
 وضع را دایره متقابل آن را دایره مساوی اند و آن
 "از همان مرکز"

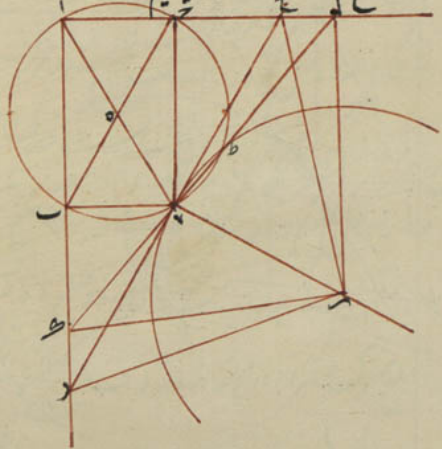
دایره محاسن است بخط که از آن را دایره متوازی وصل
 بین دو دایره دیگر متوازی الاضلاع خارج شده
مثال همیشه متوازی الاضلاع اب ۷۱ و دایره
 اب ۷۱ بمرکز و خط ۷۱ دایره متوازی قطرب است
 و دایره ۷۱ ط بمرکز و در نقطه ۷۱ نموده و قطع دایره
 اب ۷۱ نموده بدو نقطه ۷ ط و در خط ۷۱
 واقع بین مرکز ۷ و در طرف و خط ط ۷ ط که است
 یکدیگر و واقع
 بین قطع ۷ ط و بین
 در خط ۷۱ و در
 مساوی باشند



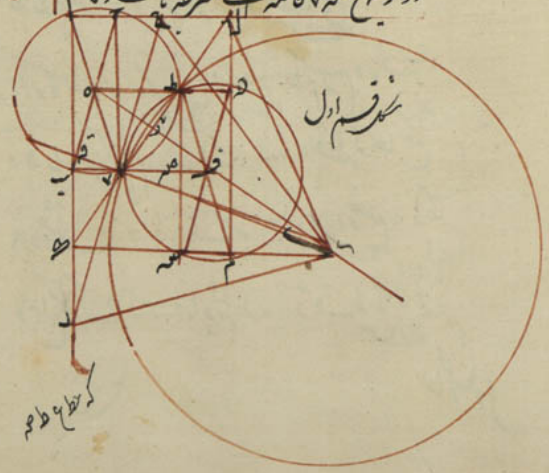
هر دایره که مرکز آن بر دایره متوازی الاضلاع قائم الزامی
و قطع کند دایره بر آن متوازی الاضلاع را دو دوطرف واصل
بین مرکز آن دایره و طرف دو خط مستقیم واقع بین
قطع و دو دوطرف مستقیم دو ضلع را دایره بر آن زاویه
مساوی باشند و دو دوطرف واصل بین مرکز آن دایره
و دو دوطرف دو خط که از آن زاویه متوازی قطر مقابل
آن زاویه اخراج و متقی آن دو دوطرف مستقیم دو ضلع
مقابل آن زاویه شده مساوی باشند قطر آن دایره
اطول است از قطر دایره بر آن متوازی الاضلاع و قوی
از آن دایره که در اصل دایره بر متوازی الاضلاع کشیده است
قطع را بدو کند **مثال** همیشه متوازی الاضلاع متفرع

۷۷۱

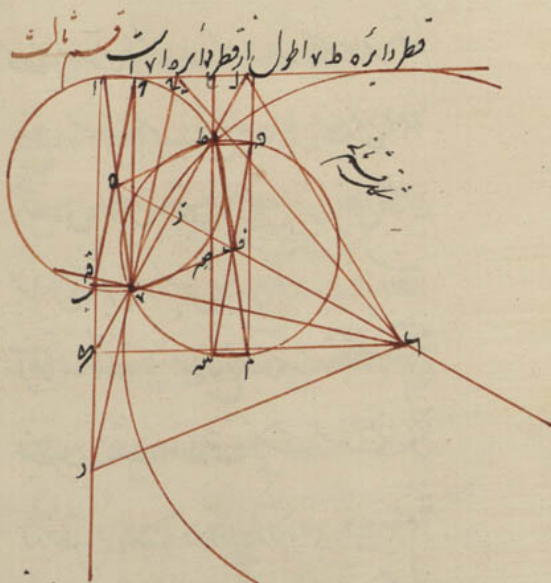
ا ب ج د و دایره ا ب ج د بر آن متوازی الاضلاع
 و خط ح ج متوازی قطریه و ه خراج شده و دایره و ط
 بمركز ه و بر زاویه و نموده و نقطه ط قطع دایره ا ب ج
 شده و دو خط مست واقع بین قطع و ط و بین دو خط
 ل ا و ا ب مساوی و دو خط ح و ل مساوی
 و دو خط ج و د مساوی میگویند قطعه باطل



نقطه ای پس دورا وید ز قائمه اند و اگر تئین ه د
 و د ف ب س و ی ضلعین ه د ف و ضلع شترک و د
 زا و تین قائمین د اصلاح کل نظیر میت ویه پس اصلاح تراز
 اصلاح ه د ف ط س ویه و در اکر ط د م قطع دایه
 ه د ف ط س ویه و در این کل ختلاف وقوع آ
 بسبب اینکه خط سه ط ه خط ه ف تقاطع نمود نقطه ه و
 دورا وید ه قائمه است منفرد **قسم اول**



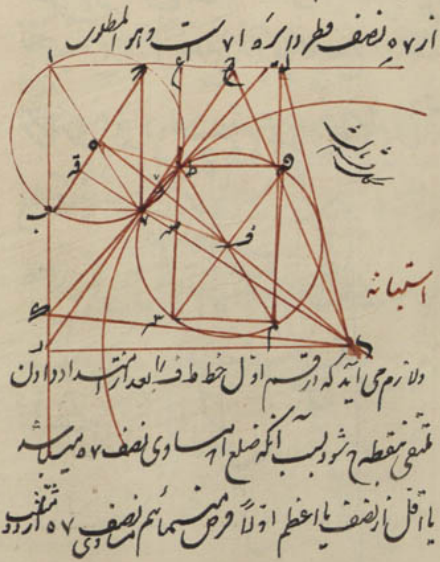
که خط ه ط ه قائم بر خط ه و ممیسا شده و نیم خط ه و قائم
 بر ضلع ه و است بسبب وقوع ه و بین متوازیین ع ه و
 و تساوی زاوین قائمین متبادلتین باز و تین دایه
 معادل قائمین ه و پس خط ه و ه و ب خط واحد
 و خط ه و که قائم بر خط ه و ممیسا شده بعد از استخراج
 بقطر ه نقطه د نقطه قه قائم شده بسبب موازی
 و خط ه و و ب و دورا وید قه ه و ه و متعابله
 متبادیه حاصل شده خط ه و بین دو نقطه ف و س ممیسا
 و بعد از استخراج ه ف و خط ه و ه ف نقطه س متعی شوند
 پس خط ه و اطول از ه و ف و قطر دایه ط ه و اطول
 از قطر دایه ه و ممیسا شده **قسم ثانی** بهین بران



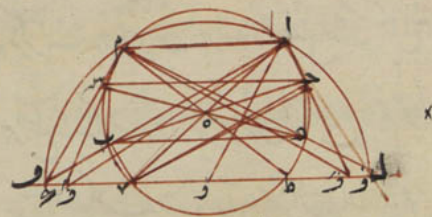
بسیار که اگر خط γ در جانب سمت راست منطبق بر خط α
خواهد بود یا در جانب β اگر منطبق بر خط β باشد لازم
می آید که زاویه γ قهراً قائمه باشد و زاویه δ قهراً
تمام باشد و همچنین یا زاویه متقابل به قائمه است و در
سر خط α و β

اولی که نو

در فرض داده بود و این خلف است و اگر خط γ β
در جانب α از خط α باشد خلف β است و واضح است
پس در هر حال خط γ β در جانب سمت راست α می باشد
و بر این قسم اول خط یعنی نصف قطر دایره γ ط طول



رسم شود متقی شود بطرفین خطین مستقیم و تعیین بین قطع
و خطین مستقیم ضلعین زاویه متقابل آن زاویه **مثال**
یست متوازی الاضلاع $abcd$ در دایره ah مکرر
خطین ac و bd مستقیم و تعیین بین قطع ac و bd
در a بجهت ac خط ae را نصف نمودم و ae را
و از مرکز o بجهت ae نصف دایره af را رسم نمودم



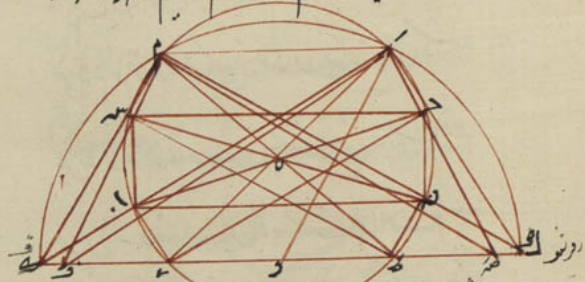
نقطتین ae و be نقطه واحد و نقطتین ae و be **حاشیه**
برهان ae را اصل و be را محیط دایره نمودم نقطه

در دایره

و ae را اصل نمودم در نقطه ae قطع دایره نمود خط ae را
خط ae را اصل و be را محیط دایره نمودم تمام شکل **مثال**
الاضلاع $abcd$ و ae را اصل و be را محیط دایره نمودم
در وضع ab مستقیم نقطه ae و در دایره ah و ae
یعنی ae را مستقیم و هرگاه در نقطه ae واقع بر ae باشد
بین ae و be واقع خواهد بود و ae را اصل و be را محیط دایره نمودم
مستقیم ae و نقطه ae بین ae و be باشد مستقیم ae
مستقیم را اصل نمودم و در دایره ah مستقیم ae و be را
مستقیم ae و be را مستقیم و در دایره ah مستقیم ae و be
قائم لازم می آید و ae را مستقیم و be را مستقیم و ae را
قائم و be را مستقیم و ae را مستقیم و be را مستقیم

مثال

دو چنین خلف لازم می آید در صورتیکه دو نقطه صاف را خارج
باشند پس دو نقطه صاف نقطه صاف و دو نقطه صاف
نقطه صاف و از مرکز و بعد و آینه بعد و بعد و بعد
نصف دایره را رسم نمودیم و هو المراد

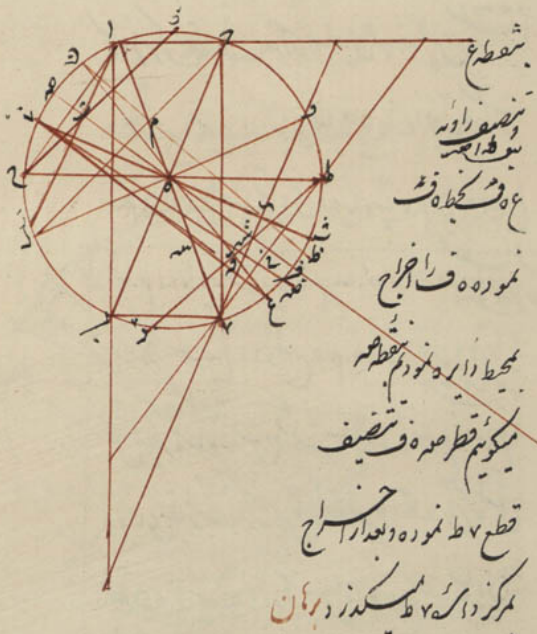


شکل هر دایره که دایره بر متوازی الاضلاع قائم الزوایا را
قطع نماید و هر دو کسبه زاویه آن متوازی الاضلاع یعنی زاویه
که اقرب مرکز آن دایره باشد هرگاه خطی از آن زاویه قائم
بقطر مقابل آن زاویه و خارج محیط دایره بر متوازی الاضلاع

اندوخته

شود و موقع تقای آن خط قائم محیط دایره را بطرف ضلع
اطول وصل نمایند که تقاطع بقطر متصل آن زاویه نماید و خط
از مرکز دایره بر متوازی الاضلاع عمود شود و خطی که از آن دایره
موازی قطر مقابل آن زاویه خارج شده و قطع دایره نمود
و موقع بیام این عمود و محل تقاطع آن خط بقطر متصل آن زاویه
را بخطی وصل و خارج محیط دایره نماید و موقع
تقای این خط به دایره که مرکز دایره خطی وصل و خارج
و قطع دایره نماید قطری از آن دایره که بر نصف این
دو نقطه گذرد و تنصیف شود و خطی را باین نماید
مثال همیشه متوازی الاضلاع است
در دایره ۶۱ مرکز و خط ۶۲ موازی قطرب و قطع دایره

نموده نقطه د و دو نقطه ۷ ط را قطع را بد قطع نموده است
بالفرض **ح** مساوی ۷ ط به ا د ا مساوی ۷ د به
ح ا د ۷ ط را وصل نمودیم و خط **ه** ش را عمود کذا ۷ د
تصفیف خط ۷ د یعنی تصفیف قوس ۷ د نموده نقطه
ه را اخرج نموده قطع دایره نمود و نقطه **ه** را
اخرج نموده در تصفیف قوس **ه** را مساوی و ۷ د
نقطه **ه** قوسی شد را دایره قائمه ۷ را وصل نمودیم
و دایره قائمه **ه** را وصل ۷ ط را موازی
نمودیم و تقاطع قطر **ه** را وصل نمودیم
نمودیم خط **ه** را نقطه **م** تقاطع نموده **م** را
اخرج بدایره نقطه **ه** را وصل و بدایره محیط



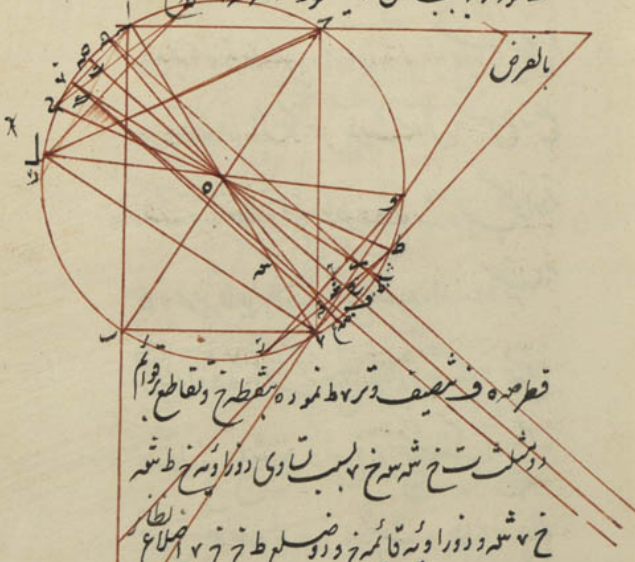
در نقطه خط سیم میاری م در رسم نمودم
در نقطه م قطع قطر ا شب ببت وی زوایه م
در سمت راست و در زاویه ای که در وضع م است

که از مردم

که از مرکز نصف دوری عمودند پس از دو مثلث
 ه ه ه اضلاع و زوایای نظایر متساویه و اینها اردو
 م ه ه سطح بسبب تساوی دوراویه م ه ه سطح
 تمام دوراویه متساویه م ه ه سطح و دوراویه متساویه
 م ه ه سطح و دو وضع م ه ه سطح اضلاع و زوایای
 کل نظیر متساویه پس دو مثلث ه ه ه سطح اضلاع و
 زوایای نظایر متساویه پس سطح ه ه ه سطح در محیط را بره ملحق
 قطره ه ه ه شد و در فوسله و ه ه سطح بسبب تساوی
 زاویه مرکزیه متساویه متساویه و هرگاه شکل متوازی
 الاضلاع ط ه ه متساویه مساوی متوازی الاضلاع ان در ج
 ط و ح فرض نمایم چنانچه در دوراویه ه ه ه اعل شد دوراویه

ط ه ه اعل شد

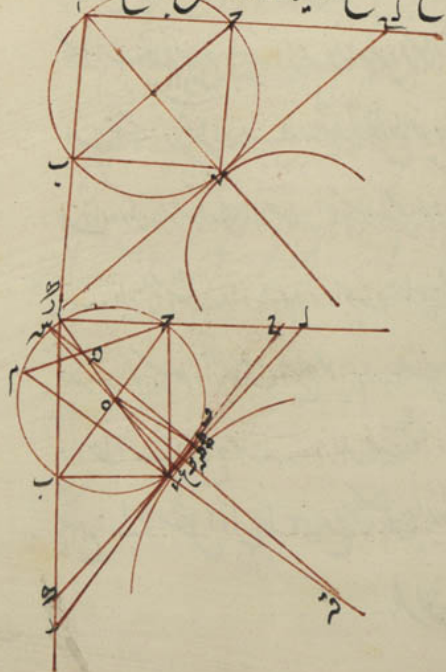
ط ه ه سطح و زوایای متساویه متساویه ط ه ه سطح
 رسم نمودیم ط ه ه سطح و نقطه شش تقاطع بد خط و
 ال نمودند بسبب تساوی زوایای خطوط ط ه ه سطح و ه ه سطح
 بالعرض
 قطعه و ضعیف در ط ه ه سطح و تقاطع و
 دو مثلث ه ه ه سطح بسبب تساوی دوراویه ه ه ه سطح
 ه ه ه سطح و دوراویه قائمه و دو ضلع ط ه ه سطح و ه ه سطح
 متساویه پس قطعه و نقطه شش کشته بسبب تساوی ط ه ه سطح



ه ه ه

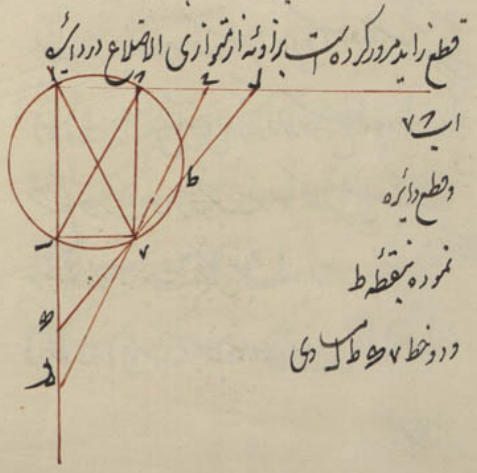
سمه را وصل و اسراج محیط دایره قطع و تنصیف راویته
 ه ه نمودیم بجهت ه ه را اخراج نمودیم بجهت
 بشمار خیم خط ه ه تنصیف قطع را بید نمود و قطر ه
 بکر قطع می کند در خط م ه را اخراج نمودیم تا در نقطه قه متقی
 ه ه شده پس در زاویه ه ه قه قائمه
 در دو خط متوازی و زاویه ه ه قه اقل از قائمه است
 دو خط م ه قه در نقطه قه متقی شوند از مرکز قه
 بعد ه قه قوس ه ط رسم نمودیم ه ط وصل و از دایره
 بدو نقطه ط ل متقی دو خط اب ه ا ل شدند و چون
 نقطه قه بر خط ه ه واقع است در شکل خیم خط ه ه
 تنصیف را وسیع ه ه نمودیم غلظت صرف قطع را بید گذشته
 و در هر یک

دیسب تکلفه خط ۷۶ از مرکز فاجیه و تمام بر دو خط ۷۷ و ۷۸ می باشد
مماس بر خط ۷۶ و منقطه ۷۹ شکل اول و خط ۷۷ و ۷۸
مشترک ۷۹ قه و در او دیده است دیسب نقطه قه مرکز قطع را
نقطه قطع ۷۹ واقع در او دیده است و مماس خط ۷۶ و ۷۸



شکل د خواستم دو خط وسط حاصل می‌آیم بین دو خط
 مفروض که هر چهار خط متساوی و متوازی باشند یعنی خط اول
 خط ثانی مثلث خط ثانی خط ثالث و خط ثالث خط رابع
 مثال باشد دو خط مفروض اب و اه خط اول
 خط اب قائم نمودم بر او و آقامه و تمام نمودم متوازی
 اب و د و قطر ا ه بر دو نقطه تقاطع نمودند
 اب بکر که بر متوازی الاضلاع رسم نمودم و دو ضلع
 اب و اه را مستدا دادم و از او وید خط و متوازی
 قطرب رسم و از این استخراج نمودم در دو نقطه در متقی
 دو خط اب و اه شدند در صورتی که وی دو
 ضلع ایح بشکل اول خط و در محاسن ایچ
 المرقط

است نقطه و در صورتی که دو ضلع اب و اه
 اب طول و بسبب عاده بودن را وید ا ه و قطع در
 بنقطه و در شکل ششم قطع را بد رسم نمودم که مرد وید را وید
 در نقطه ط قطع دایره نمود و ط را اصل و از طرفین آن دادم
 در دو نقطه و ط متقی در خط اب و اه شد میگویم دو خط
 ب و ج و دو خط وسط بین دو خط اب و اه

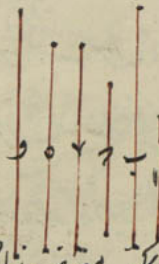


و اما در صورت ضعف کتب مفروض شکل در دو خط وسطین
 و دو خط محمد و د که یک ضعف دیگری باشد حاصل میساییم نسبت
 خط محمد و قصر با قصر و طین مثل نسبت ضلع مربعی از مربعیات
 محیط بکعب مفروض است بضلع مربعی از مربعیات محیط
 مطلوب پس شکل با ارفاقه اصول که در شکل مقدم بود
 داشتیم خط را بی حاصل میساییم که نسبت قصر طین محمد و دین
 با قصر و طین مثل نسبت خط دی ضلع مربعی از مربعیات
 محیط بکعب مفروض معلوم با خط رابع باشد پس خط رابع
 ضلع مربعی از مربعیات محیط بکعب مطلوب است و بر آن
 مربعی و بر آن مربع کعبی رسم میساییم کعب مطلوب است
 مثال همیشه دو خط محمد و مفروض دو خط ادب

و در کتاب

و دو خط وسطین بین این دو خط شکل حاصل نمودیم و خط
 و قصر طین محمد و دین خط آ و قصر و طین و شکل با
 ارفاقه س و سه اصول خط رابع حاصل نمودیم یعنی
 خط ای که نسبت خط دی به نسبت ضلع مربعی از مربعیات محیط
 بکعب مفروض معلوم با آن خط رابع یعنی خط محمد و دین
 یعنی قصر طین محمد و دین بجای قصر و طین همیشه

میگوئیم خط دو خط رابع و ضلع
 مربعی از مربعیات محیط بکعب
 مطلوب است هرگاه
 فرض میساییم خط آ را ضلع مربع محیط بکعب مفروض و با ارفاقه
 شکل مقدم یعنی کعب مفروض گذریم و خواهد خط ضعف آ



مکعب مطویر خط ۷ قصر وسطین بین این دو خط پس نسبت
 که بازاء واحد است یعنی ضلع مکعب مفروض بخطه یعنی ضلع
 مکعب مطویر مثل نسبت خط ۷ میس باشد بخط ۷ یعنی خط رابع
 پس خط مساوی ضلع مربعی از ارتفاعات محیط مکعب مطویر است
شکل ۱ در رسم مکعبات مساوی مقدار یک نسبت وضع
 از مقدار کثیره باشد با فرض صد درع یا آنکه باشد با فرض
 کثیره مکعب مفروض باشد فرضاً مساوی مکعب مفروض
 اقرب مکعبات منطبق اقل از مکعب عددی مطویر حاصل
 نموده خط محمد و دیرا با فرض خط اب بازاء واحد فرض کنیم
 و شکل ما از مقابل دسه اصول خط رابعی چنانچه در شکل
 حاصل کنیم که نسبت خط محمد و مفروض بازاء واحد باشد

قصر وسطین

خط رابع مثل نسبت اقرب مکعبات بعدی یا آنکه باشد
 مجموع نصف و ثمن نصف الخط رابعی مثل نسبت اقرب
 مکعبات بعدی یعنی نسبت ثقت چهار مجموع ثقت چهار که افزوده
 مکعبات منطبق است و سی و دو که نصف آن چهار که
 ثمن نصف است که مجموع ثقت چهار و سی و دو چهار که صد است
 یعنی مساوی نصف و نصف ثمن الخط را بر خط افزوده
 و دو خط وسط بین آن خط مفروض که بازاء اقرب مکعبات
 فرض نموده و بین خط حاصل مجموع فرورد حاصل کنیم
 پس خط رابعی که نسبت اقصر وسطین بخط رابعی مثل
 نسبت واحد باشد چهار که ضلع ثقت چهار که ثمن
 مکعبات باشد یعنی در این مثل چهار که وی قصر

خط رابع

در سطحین ضلع مربعی از مربعات محیط مکعب مطلوب است
 در صورتیکه خط مفروض باز از مکعب یکدفع میاید
 ضلع مکعب اقل مفروض باشد والا خط رابع دیگر حاصل
 فیما بینم که نسبت چهار سایدی قصه خطین یکی که میاید
 یکدفع میاید و ضلع مربعی از مربعات محیط مکعب مطلوب
 جدا نموده و دو خط وسط تمیز و متمواز این خط مفروض
 اقل مفروض مثل نسبت اقصی و سطحین باشد بآن خط رابع
 این خط رابع غیر ضلع مربعی از مربعات محیط مکعب مطلوب
 مثال همیشه خط محدود مفروض خط اربع تر نصفش بود
 بگو و ۷ از جانب آسای شمن از جدا خط
 امتداد بجانب دایم بقسای ب جدا نمودیم
 بر خط

نسبت خط محیط مثل نسبت اقصی و سطحین
 یعنی نصف و چهار بصد و دو خط راجع ط است متمواز
 این دو خط اب شکل حاصل نمودیم همان سیدی که خط
 اب که باز و دایم است خط راجع قصه خطین دارد چهار ساید
 یعنی خط ط که یعنی ضلع مکعب شد چهار که چهار است خط
 یعنی مکعب مطلوب دارد پس اگر خط اب میاید که خط
 راجع اقصی و سطحین میاید و ضلع مربعی از مربعات محیط مکعب
 مطلوب است والا شکل با از تقاطع ساید اصول خط را می که
 نسبت خط ط که خط م ده یعنی یکدفع مثل نسبت خط راجع
 بآن خط رابع است حاصل نمودیم اس خط رابع یعنی خط د که
 ضلع مربعی از مربعات محیط مکعب مطلوب که صد و زعم

اش باشد یا صدوی کعب مفروض باشد بر این
 ضلع مربع و بر مربع کعب هم بنماییم کعب مطلوب است
 و همچنین است رسم بار کعب است وی مقادیر کثرت
 بود یا مثال کثرت نسبت کعب مفروض **شکل** با
 در رسم کعب است وی خرد از اجزای کعب مفروض مانده
 چشم خردی از اجزای تقیاس معینی متراکم گردیده
 طریق نسبت که خطی را با از ضلع مربع محیط کعب مفروض
 معلوم یا یکدفعه فرض مساوی آنجز که رسم آن کعب
 مطلوب است از آن خط جدا نموده و در خط وسط
 و متوالی این خط مفروض و خط خرد از خط حاصل نموده
 عظم و سطح مساوی ضلع مربعی محیط کعب مطلوب است
 (اظهار که خط)

در صورتیکه خط مفروض مساوی یکدفعه مساوی ضلع مربعی از آنجا
 محیط کعب مفروض باشد و الا خط راجی حاصل نماییم که
 نسبت خط رابع عظم و سطحین مثل نسبت کدفعه یا ضلع مربعی از
 مربعات محیط کعب مفروض باشد **مثال** خواهیم گفتی
 رسم نمایم مساوی ثلث کعب مفروض یا **شکل**
 اش ثلث ذرع باشد خط اب را فرض نمودیم
 باز از کعب مفروض با باز یکدفعه و شکل از
 متقارن مساوی اصل ثلث خط اب نمودیم
 بخط ا و د شکل در خط وسط اب و بین دو خط اب
 او مناسب و متوالی است حاصل نمودیم اب عظم و سطحین
 یکوین خط اب عظم و سطحین ضلع مربعی از مربعات محیط کعب



مطلوب است

مطلوب است در صورتیکه خط $اب$ وی ضلع کعب مفروض
 مساوی کند زرع باشد پس آنکه هرگاه فرض نمایم خط $اب$
 ثلث کند زرع و ضلع کعبی و خط $ب$ را یکدفع مساوی
 ضلع کعب دیگر پس بدو شکل $ب$ و خط $ب$ در هر دو
 ضلع مرتبی از مرتبات محیط کعب می باشد که که مساوی
 آن کعب مساوی کند زرع مستحق است و در خط
 $ب$ $ب$ $ب$ دو وسط اند پس $اب$ و $ب$ ضعا ف $ا$ و $ب$ $ب$ $ب$
 $ب$ $ب$ $ب$ دو وسط اند پس $اب$ و $ب$ ابعاض است و
 $ا$ $ب$ $ب$ مثلث است $ب$ $ب$ $ب$ و کجایه است $ا$ $ب$ $ب$
 در عده مرتب ابعاض مثلث است $ب$ $ب$ $ب$ از عده مرتب
 ابعاض پس نسبت $ب$ یعنی ضلع مرتبی از مرتبات محیط کعب

کتاب

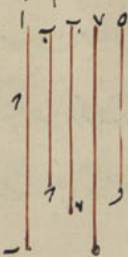
خط $اب$ یعنی ضلع کعب مفروض مثلث است همیشه خط $ب$
 و کجایه تنسب متعادل بیاوریم هرگاه دو وسط بین واحد و
 حاصل نمایم آن دو وسط دو چهار باشد که نسبت واحد
 بدو مثلث است دو چهار و نسبت چهار به ثلث یعنی دو اول و سطح
 است بین واحد و ثلث که ضعا ف واحد $ب$ و هرگاه
 نحو ایستیم بین ثلث و واحد که ابعاض است $ب$ دو وسط
 نمایم چهار و دو است که نسبت ثلث چهار در مرتب اول
 در عده مرتب ابعاض مثلث است واحد $ب$ از عده مرتب
 و چنین نسبت چهار به ثلث مثلث است واحد $ب$ بدو یعنی هر دو
 نسبت در مرتب صعود و ضعا ف پس خط $ب$ ضلع مرتبی
 از مرتبات محیط کعبی است که ثلث کعبی می باشد که خط

صفا

ضلع مربعی از مربعات محیط بکعب مفروض باشد و بهوالمراد
و این در صورتی می باشد که خط AB وی ضلع مربعی از مربعات
محیط بکعب مفروض می باشد و یک ربع باشد و الا شکل با
از همان که در AB اصول خط را بی فایده نمی نمایم که نسبتش خط AB
یک ربع می باشد و ضلع مربعی از مربعات محیط بکعب مفروض
مشابه خط AB و عظم وسطین خط AB مفروض باشد
و این خط AB و AB وی ضلع مربعی از مربعات محیط بکعب
مطلوب است و در خط AB ربع ربع و بر مربع مکتب کنیم
مکتب مطلوب **شکل ۱۱** در رسم مکتب AB وی خط AB
اجزای کشیده یک ربع و غیره یا جزو از اجزای سیر که مکتب مفروض
اقرب مکعبات منطق بخرج خود مفروض معلوم نموده و به

ملک سراج الدین

کعبات کج که از اقصای خط محمدی جدا و دو خط وسطین خط
محمدی در هر یک که از آن خط جدا نمودم حاصل نمود خط را
که نسبت اعظم وسطین نسبت کدزغ یا خط مسوی
ضلع بقی از مرعات محیط کعب مغروض مان خط محمدی باشد
و این خط رابع دیگر که نسبت با خط رابع دیگر مثلث و ه
بضلع بقی از مرعات محیط با قرب کعبات باشد حاصل شود
این خط رابع مانده مسوی ضلعی از ربع از مرعات محیط
کعب مطبوع است **مثال** چنانچه استیم کعبی را رسم نمایم مساوی
یکج و از نسبت جزو کعب مغروض باز
کدزغ باشد اقرار کعبات منقضی باشد
نسبت نسبت به نسبت خط





محمد و می باشد اب و شکل این است
 اصول این دی و خمس اب و شکل
 دو خط وسط بین ب ب بن اب و
 متساوی و متوالی حاصل نمودیم و خط ۷ را به کل باقی ماند
 اصول حاصل نمودیم که نسبت خط ۷ به خط ۶ عظم و سلطان
 مثل نسبت یک ربع یا ضلع مربعی از مربعات محیط یک دایره
 محمد و است و نیز همان شکل خط ۷ را به دیگر حاصل نمودیم که
 ۷ را به اول مثل نسبت دایره است یعنی مربعی از مربعات محیط
 مطلوب و بر همان شکل و شکل متقدم **شکل ۱۰**
 حواستیم از مخروط نسبت به بر ما قطع نماییم که مشا به مخروط
 باشد بین رأس و قاعده مخروط مفروض را به خطی موازی

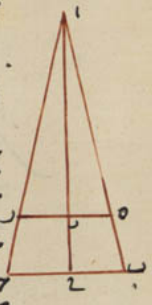
اصول

نمونه که ساده اصول تجربه نسبت آن مخروط به مفروض نمود
 و خط وسط این آن مخروط و آن خط حاصل نموده و از رأس
 آن خط و اصل بین رأس و محیط قاعده میسوی را عظم
 جدا و سطح موازی قاعده که سطح مخروط نموده و مخروط
 قطعه از مخروط میسوی مخروط میسوی **مثال**
 حواستیم از مخروط مفروض مخروطی قطع نماییم که نسبت
 آن مخروط باشد بین رأس و محیط
 قاعده آنرا خط اب و اصل و شکل
 از هاله که در اصول مثلث خط اب
 بنقطه ۷ نمودیم و شکل ۷ دو خط وسط آن را به این دو خط
 و از حاصل سطح موازی قاعده مخروط مفروض میسوی خط اه



خط

اعظم وسطین قطع مخروط منفرض نمودم مخروط منفرض که قطعه
 از مخروط اعظم است مثله مساوی ثلث مخروط اعظم
 میباشد **برهان** هر یک از دو مثلث منفرض در دو
 مخروط که از ضلع ارتفاع و خط وصل بین رأس
 و محیط مخروط و قاعده بسبب تساوی زاویه خارج در دو
 که در قاعده هر یک از دو مخروط و زاویه مشترک رأس دو مخروط
 مساوی و اضلاع منبسطی نظایر متناهی نسبت خط وصل
 بین رأس و محیط قاعده مخروط اعظم به خط وصل بین رأس و محیط قاعده
 مثلث ارتفاع مخروط اعظم با ارتفاع مخروط منفرض شکل
 از متقارن ثانیه اصل مخروط در اسطوانه مستدیره
 ثلث اسطوانه مستدیره محیط است و متساویه شکل ارتفاع



ثانیه اصل

ثانیه اصل مخروط ثلث ارتفاع ثلث مخروط
 و شکل از متقارن ثانیه اصل نسبت دو جسم متساوی
 اسطوح مثله مثلث است ضلع است ضلع مثلث است
 ارتفاع مخروط منفرض یعنی ارتفاع اسطوانه منفرض ارتفاع
 مخروط منفرض ضلع مربعی از ارتفاع محیط بکعبه منفرض
 مخروط اعظم مثلث است اسطوانه منفرض مخروط
 منفرض اعظم یا اسطوانه اعظم و نسبت ارتفاع مخروط منفرض
 به خط وصل بین رأس و محیط قاعده مثلث شکل از این
 کتاب مخروط منفرض که قطعه رأس مخروط اعظم و مساوی
 ثلث مخروط اعظم است پس بدین است که رسم یا قطع
 مخروطی نسبت جزو مایه اضعاف مخروط دیگر باشد که در

مکان

کعبات مبرهن شد ممکن **شکل یازده** در رسم مخروط
 مساوی مجسم کعبه اسطوانه مفروضه اگر مقصود رسم
 مخروط بر قاعده مساوی مربعی از مربعات محیط کعبه مفروضه
 یا قاعده اسطوانه مفروضه باشد ارتفاع مخروط را سه
 مساوی ضلع کعبه مفروض یا سه مساوی ارتفاع
 اسطوانه مفروضه قرار داده یعنی خط سه مساوی ضلع مربع محیط
 کعبه مفروض یا ارتفاع اسطوانه مفروضه عمود بر سطح قاعده اسطوانه
 یا مساوی مربع از مربعات محیط کعبه مفروضه نموده مخروط
 مطلوب را رسم نماییم **برهان** بهستبانه شکل در ارتفاع نهانی
 عشره اصول که هر مخروطی سه مساوی مخروطی است که قاعده آن
 قاعده منشور و ارتفاع منشور پس هر مخروطی سه مساوی مخروطی

پیش از آنکه

در رسم مخروط
 مساوی مجسم کعبه
 اسطوانه مفروضه
 اگر مقصود رسم
 مخروط بر قاعده
 مساوی مربعی از
 مربعات محیط کعبه
 مفروضه باشد
 ارتفاع مخروط را
 سه مساوی ضلع
 کعبه مفروض یا
 سه مساوی ارتفاع
 اسطوانه مفروضه
 قرار داده یعنی
 خط سه مساوی
 ضلع مربع محیط
 کعبه مفروض یا
 ارتفاع اسطوانه
 مفروضه عمود بر
 سطح قاعده
 اسطوانه یا
 مساوی مربع از
 مربعات محیط
 کعبه مفروضه
 نموده مخروط
 مطلوب را رسم
 نماییم **برهان**
 بهستبانه
 شکل در ارتفاع
 نهانی عشره
 اصول که هر
 مخروطی سه
 مساوی مخروطی
 است که قاعده
 آن قاعده منشور
 و ارتفاع منشور
 پس هر مخروطی
 سه مساوی مخروطی

پیش از آنکه بر قاعده اسطوانه یا بر مربعی از مربعات محیط کعبه
 مفروض یا ارتفاع اسطوانه یا ضلع مربع باشد و در
 ارتفاع قاعده عشره اصول نسبت مخروط محیط بر قاعده
 مثل نسبت ارتفاع مخروط است با ارتفاع مخروط پس خط بر
 قاعده که مساوی مربعی از مربعات محیط کعبه مفروض
 و ارتفاع سه مساوی ضلع کعبه مفروض یا سه مساوی ارتفاع
 که بر آن قاعده و با ارتفاع ضلع کعبه مفروض است
 کعبه مفروض است و همچنان که قاعده اسطوانه و با ارتفاع سه
 مساوی ارتفاع اسطوانه و با ارتفاع سه مساوی **شکل یازده**
 در رسم مخروط سه مساوی کعبه مفروض طریق
 موقوف بر آنست که اولاً دایره رسم نماییم و بر مربعی از

مربعی

مربعات محیط مکعب مفروض و آن چنان است که ضلع مکعب یعنی
ضلع مربعی از مربعات مکعب مفروض را بشکل یک از مقادیر
ساده اصول تجزیه بیاورد قسم می نویسد و در خط
ضلع مکعب مفروض سه جزو را از اجزای یازده گانه افزوده
و مستطیل رسم نمایم که مکعب از دو ضلع متقابل مساوی
ضلع مکعب و ضلع اطول مساوی مجموع ضلع مکعب و سه جزو
از یازده جزو آن و بشکل یک از مقادیر ثانیه اصول مربعی
رسم نمایم مساوی مستطیل منور و بقطر مساوی ضلع
این مربع دایره رسم نمایم یعنی بشکل یک از مقادیر اصول
دایره در این مربع رسم نمایم آن دایره مساوی مربعی
از مربعات محیط مکعب مفروض است پس اندازه را قاعده

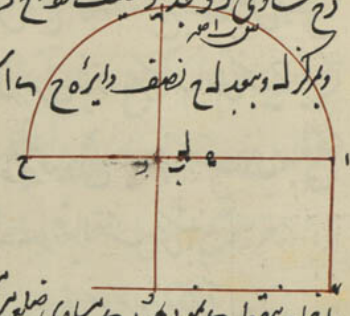
خود دارد

محدود قرار داده و با ربع مساوی ضلع مکعب مفروض
بر آن قاعده رسم نموده آن خط مستقیم می کشد
مفروض است **مثال** همیشه مربعی از مربعات محیط مکعب
مفروض مربع اب ح ضلع اب را بشکل یک از مقادیر
ساده اصول بیاورد جزو مساوی تجزیه نمودیم
یعنی از خط غیر محدود آن یازده جزو مساوی جدا چنانچه

ح ط ط ط ط غیر کم است و می باشد
با خط اب مساوی ضلع مربع منور را بر آن
آ واقعه و ح ب اصل و ط ط موازی
ح ب بشکل یک از مقادیر اصول رسم نمودیم ب ه مساوی
سه جزو را از اجزای یازده گانه خط اب یعنی ضلع مربع منور رسم

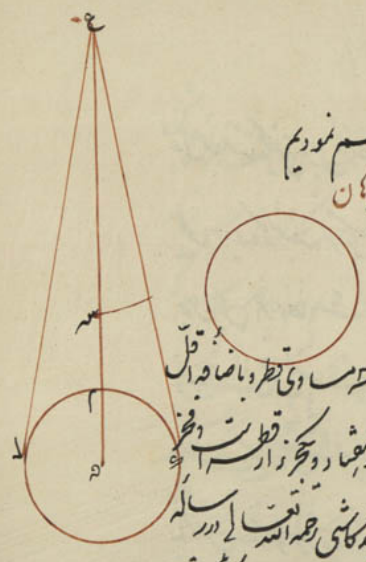


ضلع ا ب را مستداده ب مساوی بسجده
 و مستطیل او در رسم و شکل با از مقاله ثانیة اصول
 مربع و دوح ط را رسم نمودیم (یعنی آرد را مستداده)
 دوح مساوی دو جبهه و نصف خط ا ح در نمودیم بر ل
 و بر ک ل و بعد ل ح نصف دایره ح با رسم دور
 ا ح را ح ب نقطه ح نمودیم در مساوی ضلع مربع مستطیل
 و دایره قوس ک ل م را رسم نمودیم خط ح م
 عمود بر سطح را کشیده که سطر را اسراج و سطر ع
 سطر مساوی است که سطر مساوی ضلع مربع است



جدا و مخروط

جدا و مخروط و سطح مساوی را رسم نمودیم
 مکعب مفروض است تقریباً
 از سیمیدس در سائر الیه
 مربعین نموده که محیط هر دایره مساوی قطر و با ضلع اول
 از ربع در یاده از دوح جزو از معیار و کج زار است و خط
 القسین غیاث الدین جمشید کاشی رحمه الله علیه در
 محیطه بین نموده است که قطر دایره را با سطر که صد و
 جزو که کند محیط آن همان جزا و مرفوعه و کج در صد و یک
 دقیقه و یک ثانیه و آن ثلثه دله را ربع و ناخاسته و موساد
 و آن سابعه و ده ثمنه و پنج خطم آورده است
 و یونط ک ل آله نامرئید که محیط نصف القطرین



باطل فادست تحقیق با این تقریب از راهی یال نسبت محیط
 محیط دایره که کشیده براس دی محیط کره ارض باشد
 چون این اجزاء تفاوت در این دو از محروس قابل قسمت
 نیست اهل عمل نسبت محیط دایره را به قطر مثلث نسبت دو
 بهفت معموله است مانند یعنی محیط را براس دی و ربع قطر
 با تقریب منظر رنوده اند و هرگاه نصف قطر را از خطی سطح
 نمایند که مسوی محیط دایره باشد مستطیل رسم نمود
 چون در دایره یکطرف نصف قطر در مرکز دایره ساکن است
 و یکطرف نصف قطر متحرک سطح می شود پس نصف قطر در مرکز
 یکطرف از مرکز ساکن فرض نموده و در هر خط را از
 محیط سطح متحرک فرض نمایند سطحی رسم شود که نموده
 مندرج

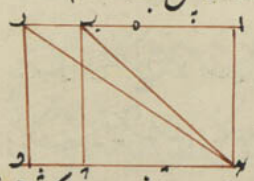
مشت باشد که ارتفاع آن مثلث مسوی نصف قطر و قائمه
 آنرا از محیط چنانچه از یک ش در رساله که بر دایره همسین نموده
 که سطح دایره مسوی مثلث قائم الزاویه می باشد که
 یکضلعش مسوی نصف قطر و ضلع دیگر مسوی محیط
 انداز دایره باشد پس سطح دایره معادل مثلث است که ارتفاعش
 نصف قطر دایره و قاعده اش محیط باشد و آن مثلث
 نصف سطح است که یکضلع نصف قطر و ضلع دیگر محیط یعنی
 بقاعده و ارتفاع آن مثلث پس مساحت دایره که حاصل شود
 از سطح نصف قطر در نصف محیط و حاصل ضرب نصف قطر
 در نصف قطر از ربع قطر است ربع و نصف سطح تقریباً **شال**
 با فرض دایره باشد نظرش شش ربع و محیطش ربع مسوی

بست در می باشد و حاصل ضرب است این نیم نصف قطر در
 یازده یعنی در نصف محیط میشود سی و هشت و نیم در ربع قطر
 یعنی هفت و هشت میشود چهل نه و بعد از نقصان یک ربع
 و نصف سب که است و نیم و مجموع ده و نصف از چهل و نه باقی
 میماند سی و هشت و نصف مساوی حاصل ضرب نصف قطر
 در نصف محیط یعنی سطح دایره پس سطح دایره اقل از ربع
 قطر است ربع نصف سب که تقریب و هرگاه مربع فرض تمام
 که یازده در ربع حجت سطح آن باشد و ضلع آن ربع را
 میازده جزو تجزیه نمایم سه جزو در یک ضلع آن افزوده شود و
 مستطیلی رسم نمایم که یک ضلع آن مساوی ضلع ربع
 و ضلع اطول مساوی مجموع ضلع ربع و باضافه سه جزو از

یازده ۹۰

یازده جزو آن (و نصف یک ربع و مستطیل مربع
 و مثلث است که باطله هر یک ضلع قوس مستطیل ربع ضلع
 مربع و شکل اول منقح است در اصول نسبت مثلث
 با ارتفاع و اندک نسبت قاعده پس نسبت مثلث عظیم که مستطیل

یعنی مثلث ۷۱
 مثلث منفرجه نصف
 مربع یعنی مثلث است که هر دو جانب آن همیشه یکسانند عظیم
 مثلث است ضلع او نصف است و نسبت مستطیل ربع
 مربع ۷۲ مثلث است ضلع است مثلث ضلع ربع
 که مساوی مجموع ضلع مربع باضافه سه جزو از یازده جزو
 آن است و هرگاه مربعی رسم شود مساوی مستطیل ۷۱



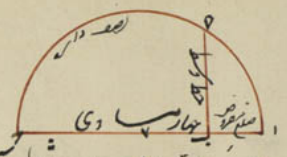
آن مربع مساوی مجموع مربع مفروض و دسکه خروار یا زده
 آن خواهد بود و هرگاه از مربع ثانی که غلظت سبع و نصف سبع
 آن نقصان شود یعنی از چهار ده جزو که مجموع یازده جزو
 دسکه خرومیس باشد سه جزو نقصان شود یازده جزو که
 مساوی که مربع منفر مفروض میباشد پس هرگاه دایره
 رسم شود که قطرش مساوی ضلع مربع غلظت باشد که سطح
 اندازیده اقل است از این مربع مساوی سبع و نصف سبع
 مساوی است مربع منفر از شکل ط ارتفاع ثانیه
 که مخروط مستدیر در اسطوانه است اسطوانه است شکل ط
 از مقاله هائیکه اصول که نسبت مخروط مخروط بر قاعده
 مثل نسبت ارتفاع است با ارتفاع و این مخروط مرکب

۲ در این که مخروطی با ارتفاع

ارتفاعه دال

بر قاعده دایره مساوی ضلع مربعی از مربعات مکعب منفر
 و ارتفاع مساوی آن مساوی مکعب منفر
 شکل ۲ در رسم مخروطات ضعیف با بعضی مکعب منفر
 یا اسطوانه مفروضه اگر مقصود این است که ارتفاع مخروط
 مساوی ارتفاع مکعب مفروض یا اسطوانه مفروضه
 چنانچه مثال با بعضی مکعب یا اسطوانه باشد شکل ط
 متعادل سادس اصول خط وسط بین ضلع مربعی از مربعات
 محیط مکعب مفروض یا قطر اسطوانه مفروضه مستدیر با ضلع
 از اضلاع اسطوانه منفر و این خط مساوی مثال و با بعضی
 آن که مطلوب است حاصل نیز بهمان شکل خط وسط که
 بین این خط وسط و دسکه مساوی این حاصل میسازد و خط

در خط وسط که در آنه حاصل می‌آید مثلاً به قاعده کعب یا اسطوانه
 مفروضه رسم می‌کنیم خطی که در قاعده کعب یا ارتفاع اسطوانه
 بر سطح قائم و طرف آن خط قائم نموده و محیط سطح و طرف آن خط
 قائم را بخطوط وصل نموده تا خروجی رسم شود آن مخروط
 مثال یا بعض مفروضه است نسبت کعب مفروض یا اسطوانه
 مفروضه **مثال** خواهیم نمود خطی رسم می‌کنیم چهار ضلعی
 کعب مفروض یا اسطوانه مفروضه یعنی مخروطی که چهار ضلعی
 کعب مفروض یا مخروط مستقیم چهار ضلعی اسطوانه مستقیم
 یا مخروط منقطع چهار ضلعی اسطوانه منقطع شکل از ارتفاع
 ساده اصول خط وسطی ضلع مربعی از ارتفاع محیط
 کعب مفروض یا قطر قاعده اسطوانه مستقیم یا هر ضلع از ارتفاع
 اسطوانه منقطع



اسطوانه منقطع و این مثال آن یعنی خط وسطی که در
 کعب چهار ضلعی در این مثال وصل و بهمان شکل نیز خط
 وسطی این خط وسط و سه ضلعی آن حاصل نمودیم
 در این خط وصل ثانی مربعی یا سه ضلعی نمودیم و خطی که در
 ارتفاع کعب مفروض یا اسطوانه مفروضه قائم بر موقع قطع
 و قطر مربع یا سه ضلعی نمودیم و این طرف آن عمود و محیط سطح
 بخطوط وصل مخروط را رسم نمودیم یعنی اگر مخروط منقطع
 مطلوب است این طرف آن عمود و زوایای مربع و اگر
 مطلوب مخروط مستقیم است این طرف آن و محیط قاعده
 اسطوانه یعنی محیط دایره مرکب مخروطی مطلوب است
 و هرگاه اسطوانه مفروضه منقطع مطلوب مخروط منقطع یا

در صورت اسطوانه مضطربه خطی اضلاع و زوایای و با
 بر مربع خورده دایره رسم و در دایره بر خطی به قاعده اسطوانه
 مفروضه رسم کنیم یعنی شکل آن ارتفاع را به اصول و تر
 مساوی ضلع کنیم که رسم شده در دایره مرسومه رسم و
 همچنین او را به اضلاع متساویه در محیط اندازیم رسم کنیم
 و اگر قاعده اسطوانه مضطربه مفروضه خطی اضلاع و زوایا
 متساویه نباشند بر ضلع هر یکی که حاصل شده زوایای مثل
 زاویه نظیرش رسم کنیم اگر قاعده اسطوانه مفروضه رسم
 تا سطحی متساویه قاعده اسطوانه مفروضه رسم شود پس
 طرف عمودی آن ارتفاع مکعب مفروضه اسطوانه مضطربه
 را بر سطح و زوایای مرسومه در محیط سطح را بر خط طول کنیم

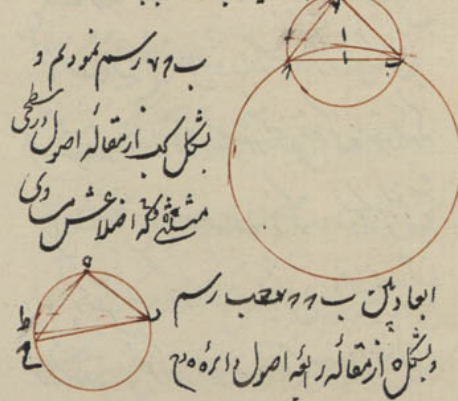
و از دایره

مخروط مطلوب است بر آن نسبت سطحی به سطح دیگر شکل
 از مقاله س در اصول مثل نسبت ضلع سطحی به ضلع
 نظیرش از سطح دیگر مثلاً پس خط وسط این ضلع
 مفروض و ضلع مکعب با ضلع آن ضلع آن خط وسطی
 که از خط وسط ضلع هر یکی است که ارتفاع ضلع با بعضی
 آن مربع مفروض است نسبت مفروضه خط وسط آن
 و سطح که حاصل شده و این خط را مساوی آن ضلع
 است که مساوی هر یکی است که ضلع آن مربع خط
 وسط حاصل اول باشد پس اگر بقاعده این مربع خط و ارتفاع مکعب مفروض
 رسم کنیم مساوی مکعب مطلوب است و هرگاه در
 میان قاعده و ارتفاع ضلع مکعب مفروض مخروطی رسم کنیم مساوی

مکعب مطلوب است و برمان در سیمع شده است و چون
 تا آن معلوم است که هر یک دعاوی شکل مستقیم شود
 و هرگاه مطلوب مخروطی باشد که قاعده اش وی
 قاعده مکعب مفروض یا اسطوانه مفروضه و بخش مثال با غایر
 مکعب یا اسطوانه مفروضه ارتفاعش را مساوی نیمه مکعب
 مکعب مفروض یا اسطوانه مفروضه نمود و نیز حاصل را سه
 آنچه حاصل شده کرد و این را اس ارتفاع تمام و در آن
 قاعده مساوی قاعده اسطوانه مضاعفه یا مکعب مفروض
 محیط قاعده اسطوانه است و در مفروضه را محیط حاصل نموده
 مخروط مطلوب است و شکل از مقاله هجده اصول
 که نسبت مخروط به مخروط ارتفاع و ابعاد نسبت قاعده
 و غیره را

قاعده و یکس فی قاعده و به مثل نسبت ارتفاع
 ارتفاع در یعنی هرگاه ارتفاع مجسمات متوازیه سطح
 قاعده و قاعده آنها را ارتفاع فرض نمائیم و شکل و ارتفاع
 مانده اصول مخروط ثلث مخروط و مخروط کصیف
 مکعب است و همان شکل از مقاله اصول در این صورت
 نسبت مخروطات متوازیه القواعد یکدیگر مثلث است ارتفاع
 آنها می باشد **شکل ۱۰** در رسم کرده است این
 کرده مفروضه اولاً متوقف است تشخیص قطر که مفروضه که
 شکل و شکل از مقاله اول از اگر تا در و سوس مثلث
 پس از تشخیص کرده مفروضه شکل در دو خط وسطین
 خط مساوی قطر که مفروضه و خط مساوی مثال این

آن حاصل نموده دی قطر که مطلوب است بقطر آن خط حاصل
 دایره رسم و از دوران آن دایره حول محور آن قطر آن
 کره مطلوبه میشود **رسم** خواستیم که رسم کنیم چنانچه
 کره مفروضه اب و اولاً بشکل منقب که اولاً از آن
 قطر که مفروضه را معلوم نمودیم (یعنی بر سطح کره مفروضه
 از دو نقطه اب بگذر ایضاً نقطه ج و بعد از اب دایره



ب **رسم** نمودیم و
 بشکل کب از مقاله اصول
 مشتق که اضلاعش

ابعادین ب و د و ج ب رسم
 و بشکل از مقاله رابعه اصول دایره مع

اسم در این

رشت رسم نمودیم قطر دایره ای قطر دایره ب و ا
 و بشکل از مقاله اول از آن کره را و در سیوس مثلثات حمله

که دو ضلع مثلث هر یک مساوی بعد بین اب و ا و ضلع
 مساوی قطر دایره از دایره دایره ط
 و بشکل از مقاله اول اصول دو عمود حمله م
 رسم بین ا و ج و متقی موقع اتقای دو عمود

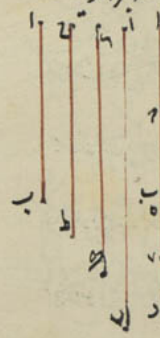
و محور اصل نمودیم خط مساوی قطر کره اب و ج
 و با فرض خط د سه سه مساوی خط مساوی یعنی سه مساوی
 قطر کره مفروضه و بشکل در خط وسط ف ص و ق بین ا و
 و د سه حاصل نمودیم ح ف ق و در سطح قطر کره مطلوبه است
 و اگر که م قطر کره مفروضه اب را بایست قسم مساوی نمودیم



در خط وسطین $\frac{1}{2}$ هم غنی نشد $\frac{1}{2}$ هم حاصل نمودم
 صفت اول وسطین $\frac{1}{2}$ وی قطر که مطلوب بود شکل به مقاله
 تا نیمه اصول که نسبت که به کره نسبت قطر نسبت
 و شکل ط از این کتاب که اقصر وسطین $\frac{1}{2}$ وی قطر
 در صورت امثال و ضعاف مطلوب شد و اول وسطین
 در صورت بعضی مطلوب باشد **شکل ۱** در رسم
 $\frac{1}{2}$ وی کتب مفروض ضلع مربعی از ارتفاعات محیط
 مفروض تنصیف نموده و در خط $\frac{1}{2}$ وی تنصیف
 افزوده و مجموع تجزیه بیا زده قسم مساوی و سه جزو
 یازده جزو را بر مجموع افزوده و این حاصل بیا زده جزو
 و شکل در خط وسط مناسب و متوال این خط مساوی

مطلوب

ضلع کتب مفروض $\frac{1}{2}$ خطی که مساوی آن مجموع شد حاصل
 بنیام خط اقصر وسطین $\frac{1}{2}$ وی قطر که مطلوب است
مثال همیشه خط $\frac{1}{2}$ وی ضلع مربعی از ارتفاعات
 محیط کتب مفروض $\frac{1}{2}$ اب را شکل ط از مقاله اصول تنصیف
 به نمودیم و اب را $\frac{1}{2}$ دادیم $\frac{1}{2}$ مساوی $\frac{1}{2}$ وی
 جدا نمودیم و شکل ط از مقاله دسه اصول $\frac{1}{2}$ اب را
 جزو مساوی تجزیه نمودیم $\frac{1}{2}$ مساوی سه جزو از یازده
 همیشه $\frac{1}{2}$ مساوی $\frac{1}{2}$ جدا کردم
 در خط وسطین $\frac{1}{2}$ اب را شکل $\frac{1}{2}$ اب
 حاصل نمودیم یعنی در خط $\frac{1}{2}$ ط $\frac{1}{2}$ اب
 خط ط اقصر وسطین $\frac{1}{2}$ وی قطر که



مطلوب

مطلوبه است بر آن از یکدس در کل لوازمه اول از
 کرده و اسطرلابین نموده است که هر که چهار وی محرومی
 که قاعده آن مساوی سطح دایره غنیمه در آن کرده و اگر
 مساوی نصف قطر آن کرده باشد و در شکل له از همان
 میان نموده که سطح هر که چهار وی سطح در آن کرده
 پشت سطح که نصف قاعده محرومی که قاعده آن چهار
 سطح غنیمه که وارفتش نصف قطر باشد در نصف قطر
 یک مساوی و ثلث سطح غنیمه که در نصف قطر است و ثلث
 سطح غنیمه که در قطر یعنی حجم کره مساوی حجم است
 که قاعده آن مساوی و ثلث سطح غنیمه و از غنیمه مساوی
 ارتفاع آن کرده باشد و مربع قطر دایره غنیمه است از سطح

م. ال. ب. د. ا. د. ا. د.

مساوی سطح هر که از دایره جزو آن سطح دایره تقریباً و سطح
 قطر در پیش یعنی مکعب قطر غنیمه است آنچه که مساوی نصف
 کرده و سطح جزو از دایره جزو کرده و هرگاه که رسم شود که
 حجمش غنیمه از کرده که قطرش مساوی ضلع مربع از مربع
 مکعب مفروض است باشد مساوی نصف و سطح جزو از دایره
 آن کرده مساوی مکعب مفروض است یا آنچه شکل مکعبی است
 شود که غنیمه از مکعب مفروض باشد ضلع مساوی نصف و سطح جزو
 از دایره جزو مکعب مفروض ضلع مکعب غنیمه قطر کرده می باشد
 که حجمش مساوی مکعب مفروض ضلع باشد **شکل ط**
 در رسم کره مساوی حجم مفروض حجم مفروض را معلوم
 و شکل ط یا ب معنی رسم نموده که محتاجی است

در رسم کره مساوی حجم مفروض حجم مفروض را معلوم
 و شکل ط یا ب معنی رسم نموده که محتاجی است

آن محترم باشد و شکل متقدم کرده رسم بنمایم مای
 آن بکعب پس آن کرده بعلوم متعارف که مای مای
 شیمی مفروض مای مای شیمی مفروض مثال و بر مای
 شکل و مای شکل متقدم **شکل** در رسم کرده مای
 مثال یا با بعضی مای بکعب محترم مفروض مای
 در خط وسطین ضلع مربعی از مای مای محترم مفروض
 مای مای محترم مفروض حاصل نموده و شکل
 کرده مای مای محترم حاصل شده رسم نموده و شکل
 آن کرده مای مای مای مای مای مای مای مای مای
 بتوفیق خداوند جل و علا تمام شد رسم محترم است
 والسلام خیرت م

بسم الله

فهرست رساله قبله نما هشتاد و نه
جدول طول عرض بعضی از بلاد معروفه که محتاج
میباشد قبل از کتاب در فایده فصل شده
در ساجده در سبب تالیف این رساله

باب اول در قاعده کلیه قسم
قسم اول در آنکه بلد مفروض در یک مظهر در طول و عرض
قسم ثانیه در صورتی که عرض بلد منقطه معلوم
قسم ثالث در صورتی که اختلاف در طول و عرض
باب دوم در معرفت قسم محیط دایره و قسم

در کلام

باب سوم در معرفت انحراف سمت قبله مفروض

بر یک جهت بطریق هندسه
باب چهارم در معرفت انحراف سمت قبله مفروض

نسبت خط نصف النهار بطریق هندسه
باب پنجم در معرفت انحراف سمت قبله مفروض

باستعلام از اسطرلاب
باب ششم در معرفت انحراف سمت قبله مفروض

با استخراج از رجب و مثل مواز و غیره
در جدول

باب هفتم در معرفت تشخیص نصف النهار
باب هشتم در معرفت تشخیص سمت قبله مفروض

فصل دوم در قواعد بیان در تحقیق قبله صحت

بلاد و آخر است که قطع نظر از اطلاع و عمل علوم

۷۸ ریاضی ممکن باشد

عمر بنی اول معروف است به قبله نماهی بعضی از ملل و معروف

اربع مہدی استخراج نمودہ خط قبلہ

الحروف ارجو وصفها في القلم
٧٨

و دایره اش در صفحه ۸۲

طریق ذکر نقشه قبله نماهی ربع مکنون

۱۰۸ در معرفت رسم نقشه مرلوره ۶۸

مثال رسم نقشه مزبوره نقشه ۸۳

مثال عمل نمودن نقشه مروره ۱۵ اولی آخر

جدول طریقہ

مردول	طل	بلد	ار	ج	ار	ق	لدات	و	ع	م	ار	ح	ط	ا
ابسلاد	الط	ار	د	د	الط	ار	د	د	الط	ار	د	د	الط	ار
سوس اقصی	له	۱۵	۳	له	۴	۳۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
فاس قصبة خنجه	له	۱۶	۰	له	۴	۲۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
ناهرت علما	له	۳۵	۳	له	۴	۲۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
ناهرت سفلا دار قصه	له	۳۶	۰	له	۴	۲۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
سلیخته	له	۳۷	۰	له	۴	۳۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
قیروان	له	۴۱	۰	له	۴	۳۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
حمیدیه	له	۴۲	۰	له	۴	۳۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
طربس بنز	له	۴۵	۰	له	۴	۳۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
فرطیه دار الکائنات	له	۴۱	۲	له	۴	۳۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
نحمة ادربر	له	۴۵	۰	له	۴	۴۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
حرمی دار الکائنات	له	۴۵	۰	له	۴	۴۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
توس حمیدیه	له	۴۱	۳	له	۴	۴۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
قلزم ارکان دریا	له	۴۱	۰	له	۴	۴۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
عمان	له	۴۶	۰	له	۴	۴۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
سوس اقصی	له	۴۶	۳	له	۴	۴۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
عقلان	له	۴۶	۳	له	۴	۴۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
قیریه	له	۴۶	۳	له	۴	۴۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
تظین	له	۴۶	۳	له	۴	۴۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

جدول طول عرض بعض بلاد مغرب و قد طول از خوارق آه	الطول	العرض	الارض
مكة منقطه	٧٧	٠	كاف
دمشق	٧٥	٠	كه
مصر	٤٢	٠	لاد
سمرقند	٦٣	٠	لاد
اسكندرية	٦٤	٠	لاد
صنعا و ارمين	٧٧	٠	لاد
بعلبك	٧٠	٠	لاد
حلب	٧٢	٠	لاد
موصل	٧٧	٠	لاد
المن	٥٣	٠	لاد
مراغه	١٢	٠	لاد
تبريز	٨٢	٠	لاد
برده	٨٣	٠	لاد
اربدل	٨٢	٠	لاد
كوفه	٧٩	٠	لاد
مدائن	٧٢	٠	لاد
بغداد	٨٠	٠	لاد
واسط	٨١	٠	لاد

تم جدول

تم جدول بلاد مغرب و قد طول از خوارق آه	الطول	العرض	الارض
بصره	٨١	٠	لاد
بصره	٨٩	٠	لاد
بهران	٨٣	٠	لاد
كرمان	٩١	٠	لاد
فارس	١٥	٠	لاد
اصفهان	٨٦	٠	لاد
ري	٨٦	٠	لاد
استرا	٨٩	٠	لاد
سمنوار	٩١	٠	لاد
نشت در	٩٢	٠	لاد
طوس	٩٢	٠	لاد
توت	٩٢	٠	لاد
هرات	٩٤	٠	لاد
مير	٩٤	٠	لاد
قبا	١٠١	٠	لاد
جستان	١٠٤	٠	لاد
بخارا	٩٧	٠	لاد
تجيب	١٠٥	٠	لاد
كاشان	٨٦	٠	لاد
دمنغان	٨٨	٠	لاد

اسماء	الطول	العرض	الارتفاع
سید ولد	۹۹	۳۹	۳۷
سید قند	۱۰۶	۳۰	۳۰
سید شاز	۱۸	۲۹	۳۶
احمد آباد	۱۰۱	۲۳	۱۵
امیر کورت	۱۰۵	۲۵	۰
میراب	۱۱۷	۳۲	۱۰
قطیفه و قیطین	۵۹	۴۵	۰
مولیان	۱۰۷	۲۹	۴۰
نیلواره	۱۰۷	۲۲	۰
میمند	۵۵	۳۳	۲۰
جده	۷۶	۲۱	۰
کوز	۱۲۱	۲۶	۰
مجاویر	۱۰۵	۱۷	۲۰
برکات	۱۰۳	۲۰	۴۰
قلعه را حرد	۱۰۹	۱۳	۲۰
هرات	۱۱۱	۲۰	۳۰
کج طران	۹۹	۲۱	۰
جوشنور	۱۱۹	۲۶	۳۶

نمر جدول

اسماء	الطول	العرض	الارتفاع
سید ولد	۹۹	۳۹	۳۷
سید قند	۱۰۶	۳۰	۳۰
سید شاز	۱۸	۲۹	۳۶
احمد آباد	۱۰۱	۲۳	۱۵
امیر کورت	۱۰۵	۲۵	۰
میراب	۱۱۷	۳۲	۱۰
قطیفه و قیطین	۵۹	۴۵	۰
مولیان	۱۰۷	۲۹	۴۰
نیلواره	۱۰۷	۲۲	۰
میمند	۵۵	۳۳	۲۰
جده	۷۶	۲۱	۰
کوز	۱۲۱	۲۶	۰
مجاویر	۱۰۵	۱۷	۲۰
برکات	۱۰۳	۲۰	۴۰
قلعه را حرد	۱۰۹	۱۳	۲۰
هرات	۱۱۱	۲۰	۳۰
کج طران	۹۹	۲۱	۰
جوشنور	۱۱۹	۲۶	۳۶

سمه دول طبل ملا دار عز وجله است و عرض از جمله آنها

اسم	رقعه	رقعه	رقعه	رقعه
کول	۱۹	۲۸	۲۸	۲۸
کولنده	۱۹	۳۸	۳۸	۳۸
سنا رکام	۱۳۱	۰	۰	۰
عانه	۶	۳۴	۳۴	۳۴
خاق کران	۹۹	۰	۰	۰
اوده	۱۱۸	۶	۳۲	۳۲
کس بار	۱۰۱	۵۵	۳۳	۳۳
ازینین	۱۱۸	۰	۳۳	۳۳
پورکور	۱۱۵	۵۵	۳۱	۳۱
بلور	۱۱۸	۰	۳۲	۳۲
منصور	۱۰۵	۳۳	۳۷	۳۷
کراچی	۹۵	۵۵	۱۲	۱۲
برند	۱۱۵	۰	۳۱	۳۱
احمد	۱۰۷	۰	۱۷	۱۷
بکاله	۱۲۱	۰	۲۷	۲۷
خاتون	۱۰۷	۰	۳۲	۳۲
المالغ	۱۰۲	۳۱	۳۲	۳۲

کتابخانه
مجلس شورای ملی
شعبه ۱۳۲

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين
باب چون معرفت سمت که از وجبات است
و بقاعده رسم دایره هندیه در صد کردن روز را که گشت
داشت درجه جزایا میت و در درجه سرطان باشد و
مترصد بودن قبل از نصف النهار و بعد از نصف النهار
آنروز و موجود داشتن ساعت نحاسی صحیح که بازاء
تفاوت بین الطولین بلد مفروض و مکه معظمه را داشته
شده باشد از قبل معیاری سمت قبله بلد مفروض معلوم نماید

امکان

امکان این فقرات در عایت این شرایط شکل و
در هر وقت و هر بلد مقصود حاصل نمیشود بطریق که در
دایره بازاء تفاوت بین بعضین بلد مفروض و مکه معظمه
خطی موازی خط شرق و مغرب و بازاء بین الطولین خط
موازی خط نصف النهار بکشند و خط واصل بین محل
تقاطع دو خط مذکور و مرکز دایره را سمت بخاطر نصف النهار
خط انحراف سمت قبله بلد مفروض محسوب دارند و اگر
سمت غیر واقع خواهد بود و بقاعده که اگر عرض بلد از
عرض مکه معظمه باشد انحراف سمت قبله بلد از خط شرق
و مغرب در جانب جنوب است نیز ممکن است که عرض
بلد زیاده از عرض مکه معظمه باشد و انحراف سمت قبله

نادر

شمال یا در خط شرق و مغرب باشد در میان هر یک را
 در قسم اول و ثانیه از باب اول همین نموده **باشد**
 بنده حقیر بن حقیقتات فی ثابوری حیدر علی قواعدی
 بجهت معرفت انحراف و تشخیص قبله بلاد و خط نصف النهار
 و بعدین هر یک از بلاد و مکمل مخطوطه در این مختصر رساله که
 مندرج نموده که در هر وقت مطلوب و هر کس مفروض ممکن باشد
 است که در نظر ناظرین مقبول افتد و این رساله مکمل است
 بر شت **باب اول** در قاعده کلیه هر بلد مفروض
 باشد که منظمه در طول مواقیف یا در عرض یا در هر دو
انقسم اول اگر عرض مکمل منظمه بلد مفروض از عرض مکمل مخطوطه
 بیشتر است و شمال مثل موصل و ازین الزوم و غیرها

لحمه

سمت قبله آن بلد نقطه جنوب است و اگر عرض کمتر
 یا آنکه عرض جنوب است مثل صنایع یا در عرض جنوب از خط
 استواییست قبله آن بلد و آن مکان نقطه شمال
 و در هر دو صورت خط سمت قبله با خط نصف النهار
 متمم باشد **تعریف** عرض بلد عبارت است از قوسی
 از دایره نصف النهار بین سمت الرأس بلد مفروض و
 دایره معدل النهار یعنی قوسی از محیط عظیمه که زمین
 در سطح دایره نصف النهار بین بلد مفروض و خط استواء
 و طول بلد در افق یا مکمل قوسی است از دایره صغیره موازی
 معدل النهار که سمت الرأس بلد که زد و دارد دایره
 معدل النهار در افق یا بین سمت الرأس و خط استواء

لحمه

یا هر جا که بسط و طول گیرند یعنی بین نصف النهار و نصف النهار
 جزایر فالده یا هر جا که بسط و طول گیرند مثل میل درایی
 منور **برای** دایره نصف النهار چون غنیمت است که بدو
 افق یعنی سمت ابراس سمت مقدم میگذرد و یک از دایره
 سمت است و شکل از مقابله نایه اگر تا دو سیوس
 که هرگاه دو دایره عرض هم در گره میگذرد بدو قطب دایره
 متوازیه قوسی از آن دو دایره متوازیه بین دو دایره ارا
 دو دایره عظام متشابه اند پس قوس طول که منقطه و قوس
 طول بمقدور عرض که از دایره متوازیه اند متشابه اند بین
 دو غنیمت که بدو قطب آن دو دایره متوازیه مرور کرده که یک
 دایره نصف النهار بمقدور عرض و دیگری دایره نصف النهار

بسط و طول

بسط و طول بالنسبه جزایر فالده بطریق علموس و در صورت
 که منقطه و بمقدور عرض در سطح یک نصف النهار واقع
 و چون محل تقاطع دایره نصف النهار و افق دو نقطه شمال
 و جنوب است پس اگر عرض بمقدور زیاد از عرض که منقطه
 و بمقدور عرض در جانب شمال است که منقطه سمت قبله است
 جنوب و اگر عرض از عرض که کمتر یا جنوب از خط استوا سمت قبله
 است نقطه شمال و اما **در قسم** که در عرض مساوی باشند
 و در جهت موافق اگر طول بمقدور عرض از طول که منقطه سمت
 سمت قبله آن بلد از نقطه منور است عدال در جانب شمال
 و اگر کمتر است از نقطه شرق است عدال در جانب شمال
برای خط قبله عبارت از خطی است از دایره سمت که

سمت ابراس

سمت اترس که معطی کدرد و دایره اول سمت که مغرب
از دایره اترس و عظمه است و باقی تقاطع جنوبی در
دو نقطه مشرق و مغرب و تحت بعد دایره اول سمت از
معدل النهار نقطه سمت اترس است و هر چه بجانب شرق
یا مغرب فرض شود بعدش از معدل النهار ساقص تا در نقطه
مشرق و مغرب متقاطع شوند و بعد سمت اترس که معطی از
معدل النهار قوسی است از دایره نصف النهار که معطی
سمت اترس که معدل النهار و عرضی عرضی که از
است از قوسی از همان دایره نصف النهار که در محل تقاطع
دایره اول سمت و معطی و معدل النهار پس دایره نیمه
سمت اترس که معطی کدرد متقاطع با دایره اول

الحمد لله

اول سمت در نقطه سمت اکر اس بلد خط سمت قبله آن بلد
که در سطح اندایره سمت است از نقطه مغرب در جانب شمال
اگر طول بلد زیاد از طول مکّه است و از نقطه شرق در جانب
شمال است اگر طول بلد کمتر از طول مکّه است مثال

میشاید دایره
 اب و ب مرکزین
 دایره اش در خون

نصف ظاهر معدل النهار ونقطه ب نقطه مغرب معدل
ونقطه مشرق معدل وقوس د ا ز ا و اخره كذا
كذلك وليكن د ونقطه سمت الارض ك ونقطه سمت الارض
بلد وقوس ب د نصف ظاهر دائرة اول السموات

وہ

دو مس دس طرحی از دایره سمتیه که نسبت الارض به
 در نقطه تقاطع
 شمال
 نموده در جانب
 از جنوب و جانب مشرق و جنوب و خط سمت قبله
 بلد در جانب شمال از جنوب و هو المطلوب اما در قسم
 یعنی در مخالف بودن طول عرض بلد فرض که منقطه اکر طول
 بلد زیاده از طول که منقطه است مثل در اختلافه طرآن و در
 تبریز و غیرهاست قبله آن بلاد از خط نصف النهار در جانب
 مغرب است و اگر طول آن بلد کمتر از طول که منقطه
 مثل مدینه منیه حلب و غیرهاست قبله آن بلاد از خط
 نصف النهار در جانب مشرق است بر آن هر خطی که از بلد

معروف فارم

منفروض خارج و سطح معدل النهار قائم شود در سطح دایره نصف النهار
آن بلد است و موازی است بخطی که در سطح نصف النهار
که مماسه قائم سطح معدل النهار شده بسبب آنکه دایره نصف النهار
که تقطع معدل النهار کند بر شکل او از محاله اولی اگر اودوید
سطح دایره نصف النهار معدل النهار تقاطع بر قائم نموده اند
و چون بلد مفروض در سطح دایره نصف النهار است باستبانه
از محاله اولی اصول خط در سطح دایره نصف النهار واقع است
و چون جسمی در دایره و جسمی پهن و خطی که از مرکز مماسه و بلد
منفروض خارج و قائم سطح معدل النهار شده اند و قائم اند
بر شکل آنوقت اولی اصول آن خط موازی اند پس اگر
طول بلد را در طول بلد مماسه است خطی که از آن بلد خارج

ارو

در جانب شرقی که خطی که از آن به سمت مکه خارج
 در جانب غربی از آن خط است یعنی در جانب غربی از خط
 نصف النهار آن بلد است و اگر طول بلد کمتر از طول مکه
 منقطعت خطی که از آن بلد خارج شود به سمت مکه منقطعه در جانب
 شرقی خط نصف النهار و هو المطلوب و در آن که در قسم باشد
 زمین شده ممکن است که عرض بلد زیاده از عرض مکه باشد
 و سمت قبله آن بلد از نقطه شرق یا مغرب اعتدال در
 جانب شمال باشد یا بر نقطه شرق و مغرب اعتدال
 واقع شود بسبب آنکه در صورتیکه عرض بلد زیاده از عرض مکه
 باشد دایره اول سمت آن بلد در جنوبی را که از آن
 مکه گذرد در دو جانب نصف النهار قطع کند پس اگر تفاوت

باشد

بین الطولین آن بلد مکه زیاده از قوسی از آن بلد است
 که آن قوس مابین دایره نصف النهار و دایره اول سمت
 سمت المکه است که از دایره اول سمت در جانب شمال
 از شرق و مغرب است و سمت قبله نیز در جانب شمال و اگر
 بین الطولین مساوی آن قوس است دایره سمت مکه از آن
 مکه گذشته و دایره اول سمت منطبق و سمت قبله
 خط شرق و مغرب و اگر کمتر از آن قوس است سمت قبله در
 جانب جنوب از خط شرق و مغرب است چه اجزای بین
 الطولین از همان مدار است و هو المطلوب و در آن دیگر که
 در آفاق قسم باشد تفاوت بین قریب و بع دور باشد
 مطلع مغرب آنجا که سمت المکه است مکه یکدور باشد

جزا یعنی سمت اکر اس که منطبق است با آن بلد قریب باقی دارد
 نقطه شرق یا مغرب قریب است درجه در جانب شمال
 سمت دارد و هرگاه عرض بلد تعلیل زیاد که عرض ملک
 فرض نمایم و تفاوت بین الطولین قریب همان تفاوت
 در تصور سمت از نقطه شرق یا مغرب تعلیل کند خواهد بود
 و همچنین در زیاد شدن بین عرضین یکم شدن
 بین الطولین یا هر دو بقسم مذکور سمت از جانب شمال
 کم می شود تا بنقطه شرق یا مغرب واقع شود پس چنین باشد
 که در زیاد بودن عرض بلد از عرض ملک منطبق سمت قبله بلد
 مفروض قریب باشد مثلاً حکم است در **باب دوم**
 در معرفت تقسیم دایره بسید و تقسیم متدی **مثال**

مثلاً دایره

میباشد دایره اب ۷۶ بر کره دایره مفروضه و دو قطر
 اب ۷۶ متقاطع بر توکم پس هر یک از قسیمی ۱۷۶
 ربع دایره است پس دایره قایمه از آن نقطه بسجده



در تب در رسم نموده
 وسط آن را بر نقطه
 گذارد و به نصف
 قطره که گذرد بنقطه ج و قطعی شود محیط دایره بنقطه ط و ج
 بین دو نقطه ط مساوی نصف قطر دایره باشد یعنی یکبار
 اندازه و بعد نصف قطر را بر دو نقطه ک و ق و وسط آن را
 متحرک کنیم تا بین دو نقطه ط مساوی نصف قطر دایره
 باشد میگوئیم قوس ط ا و قوس ربع دایره است یعنی نصف قوس

انجام

از محیط یعنی بخت خرد و آنود خرد و از ربع محیط دایره پس قوس
 را نصف قوس و قوس را نصف قوس نمود
 پس قوس را پنج خرد و آنود خرد و از قوس ربع دایره
 میباشد هر یک از اربع دایره را بقوسهای مساوی
 قوس را تقسیم و بعد است و ارقام بر این پنج معلوم نمودم
بکان ربع طه را
 وصل طه را اسراج
 محیط نقطه ل و خط
 طم موازی قطر اب بسم نمودیم در نقطه تقاطع
 ۶۵۶ نمود و از این به سبب فاصله در خط متساویان
 و داخلین را و این ۷ طه ۹۵۶ سبب خطین موازین
 طه م ا بر



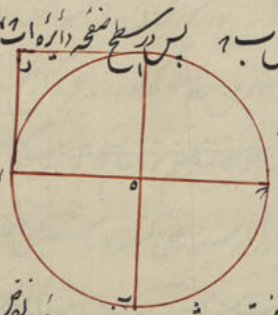
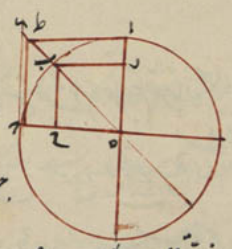
طه م ا ب تا این و این ۷ طه ۹۵۶ سبب
 را و این ۷ طه ۹۵۶ سبب تا این و این ۷ طه ۹۵۶
 و اصلاح در وایانی نظارت و به و را و این ۷ طه ۹۵۶
 متساویان است و این و را و این ۷ طه ۹۵۶ سبب
 متساویان پس را و این ۷ طه ۹۵۶ سبب
 و قوس ب ل نصف قوس م ل و این ۷ طه ۹۵۶
 را و این ۷ طه ۷ م طه پس همین قوس ب ل غنی قوس
 ربع قوس ل ربع ثلث قوس ب م و قوس ب ل ربع
 اصلاح و در وایانی مثلاً به در که مجموع سبب را و این ۷ طه ۹۵۶
 دو قائمه است هر یک از وایانی و ثلث قائمه قوس ب
 و ثلث قوس ا یعنی و ثلث ربع محیط دایره یعنی ربع محیط
 ل م ا بر

ل م ا بر

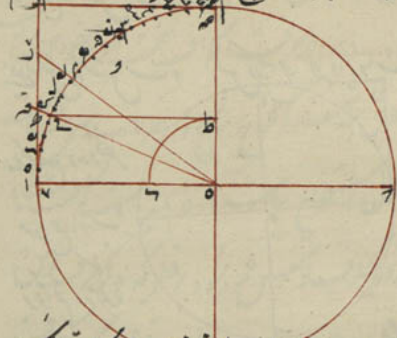
نصف قوس این در قوس ربع دایره میباشد یعنی
 هر دو از آن دو نصف قوس است دو جزو آن دو جزو
 میباشد یعنی دو جزو آن دو نصف قوس است
باب سوم در معرفت انحراف سمت قبله مخصوص برنج
 بطریق هندسه که محتاج برنج و اصطلاح ضرورت
 حال استخراج باشد اولاً باید دانست که جهت
 که از یک طرف قوس عمود شود بر قطر که دیگر طرف قوس
 گذشته و ظل عمودی است بر طرف قطری که بر یک طرف
 قوس گذشته و متقی قطری شود که از طرف دیگر قوس
 خارج شود **مثال** در دایره اب ۱۶ مرکز میباشد
 قوس اب عمود اب و جیب قوس اب عمود
 بر قطر

ع

صفا قوس اب یعنی
 جیب قوس ب و عمود
 اطل قوس اب و عمود و ظل تمام قوس اب
 یعنی ظل قوس ب بر سطح صفحه دایره اب
 رسم و بدو قطر
 متقاطع در ب
 بر قائم در مرکز
 چهار قسم مساوی تقسیم شود بر ربعی از اربع دایره یعنی
 ربع ۷۱ یعنی نصف قطره ربع ۷۱ در تمام یک یاب
 و هر یک از اربع دایره را بایاب دوم تجزیه با جهاد شود
 و باقی بجز این مرقوم نموده است از یک طرف قوس
 دایره



داره نور و می کشد یعنی می کشد جزو نیم تقریباً از اجزاء
 بود که کشیده یعنی قوس α و عمود β بر قطب γ رسم
 و مرکز δ و مسعود ϵ بر α و مرکز ζ بر β رسم نمایم



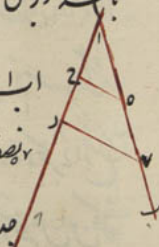
و به هر طرف تعدیل النهار ضربی از منطقه البروج که کتب الاراس
 که می کشد و سطر آرا را بر مرکز δ و قوس از اجزاء بود که
 مساوی عرض که معطیله یعنی کام است و در جزو و دو
 از اجزاء بود که کشیده تا قطع شود بصلع γ از مرکز γ

نقطه

بعلاست معتم نموده آنچه بر طرف ضلعی که مرکز δ کشیده
 نقطه γ که مسعود ϵ و سطر آرا را بر مرکز δ کشیده
 اول آنجه است یعنی خط γ و نیز سطر آرا را بر مرکز δ
 و قوس از اجزاء بود که γ بر δ که آن رقم مساوی عرض
 باشد عرض باشد یعنی رقم که کشیده با سطر آرا
 واقع شود بعلاست دیگر یعنی γ معتم نموده آنچه بر این سطر
 و طرف ضلعی که مرکز δ کشیده یعنی نقطه γ باشد یعنی خط
 γ و ظل عرض که در عرض است و باب معتم از قاعده دوم
 از پنج بندی که تعدیل النهار جزو معروض حاصل شود و اصل
 ظل میل اول آنجه و ظل عرض که خط γ معتم نمودن حاصل
 از جیب و بار قاعده نسبت جیب اعظم بظل عرض که نسبت

مطلوبه

ظل سبل اول انحراف است بحسب تعدیل النهار آن جنبه
 و شکل با ارتفاع سبل اصل خط را بکجه حید تعدیل النهار
 باشد از برای سبل معلوم حاصل کنیم یعنی در خط
 ا ب ج را بر اوینه آ محیط و ا ر آب آ سب
 نصف قطر را که بر اوینه یعنی سب و ی ضلع مربع
 جدا و ا ه سب و ی ظل عرض که منطبق است
 ظل سبل اول انحراف است بحسب الکر اس که منطبق میکند جدا و ه
 بعلاست و معلوم و از خط ا ه خط ا ر سب
 جدا و بعلاست معلوم و این یعنی بعلاست ظل عرض و ه معلوم
 نصف قطر را که ب خط ۲ وصل و خط ه ج از معلوم عرض که منطبق
 موازی ۶ در رسم بنماییم خط ا ح بحسب تعدیل النهار در خط
 سبل اول



سبل الکر اس که منطبق میکند در خط شمالی از مرکز در خط
 از خط نصف النهار بکجه شمال مساوی بحسب تعدیل النهار
 جدا و بعلاست معلوم مجموع نصف قطر را که بحسب تعدیل النهار
 سهم نصف خمس النهار باشد و در بالا و جنوبی از مرکز در خط
 از خط نصف النهار
 بحسب تعدیل النهار
 و بعلاست معلوم بنماییم
 آنکه بین معلومت و نقطه جنوب شد سهم نصف خمس النهار
 انحراف است و از طرف خط نصف النهار یعنی از نقطه جنوب
 مساوی تفاوت بین الطولین بکجه عرض که منطبق است اگر طول
 کمتر است بکجه مغرب و اگر بیشتر است بکجه مشرق و از خط



سبل اول

شمرده بهر جانشی شود از آنجا خطی عمود بر خط النهار یعنی قطب
 بر خط النهار رسم شود
 آنکه بین طرف آن
 و موقع قیام آن عمود
 باشد سهم این المثلین یعنی سهم فضل دار است و غایت
 ارتفاع خبری که نسبت الرأس مکه منقطه یک در حال
 یعنی در بلاد شمالی از خط استوا مجموع تمام عرض بلد الی الربع
 باضافه عرض مکه منقطه اگر کمتر از نود باشد و الا نقصان
 کردن آن مجموع از صد باشد تا اگر زیاده از نود است
 آن مجموع یا این باقی غایت ارتفاع نسبت الرأس مکه منقطه
 نسبت ببلکه فرض و در بلاد جنوبی از خط استوا بعد از



مجموع شود

مجموع عرض بلد و عرض مکه از نود باقی غایت ارتفاع نسبت الرأس
 مکه منقطه است (مخفی نیست که اگر مجموع عرض بلد و عرض مکه منقطه
 زیاده از نود شود نسبت الرأس مکه نسبت بآن بلد ارتفاع
 و فضل آن مجموع بر نود غایت انحطاط نسبت الرأس مکه
 است نسبت ببلکه فرض پس بطریق مذکور غایت
 ارتفاع را از ربع جیب حاصل یعنی مساوی غایت ارتفاع از
 چهار نود دکانه ربع دایره شمرده بهر جانشی شود خطی قطری
 که متصل بمکه و شماره ارقام و مسافت ارتفاع است عمود نمود
 این عمود جیب غایت ارتفاع است در اینجا معلوم شد
 یک سهم نصف حوس النهار و یک فضل سهم نصف حوس و فضل دار
 و یک جیب غایت ارتفاع و برای آنکه در باب ششم بیان است

نیز

نسبت سهم نصف قوس الزمار نصف سهم نصف قوس الزمار
 بر سهم فصل دایره مثل نسبت جیب غایت ارتفاع ^{کسب ارتفاع}
 و شکل با آن مقاله سه دره اصول خط رابع حاصل می‌نمایم
 یعنی دو خط غیر عمود و در آن بر او محیط از یک از زاویه
 سهم نصف قوس الزمار جدا و بعد از آن معلوم می‌شود
 جیب غایت ارتفاع جدا و بعد از آن معلوم می‌شود
 فصل سهم نصف قوس الزمار بر سهم فصل دایره جدا
 معلوم بین علامت سهم نصف قوس الزمار و علامت جیب
 غایت ارتفاع را بخاطر حاصل می‌نمایم و از علامت فصل
 نصف قوس الزمار بر سهم فصل دایره خطی موازی این خط
 اخراج نموده آنچه بین زاویه منفرجه و تقاطع این خط

با خط فصل

با آن خط فصل زاویه بیش جیب ارتفاع سمت الزمار
 نسبت به فرض (محتمل نماید اگر عرض به فرض از آن
 شمالی سادی تمام عرض مگر یا زیاده از تمام عرض مگر باشد
 نصف قوس الزمار را نصف دور و سهم نصف قوس الزمار
 قطر دایره محسوب باید داشت و بجای جیب غایت ارتفاع
 فصل جیب ارتفاع اعلا آن جزو ارتفاع از آن فصل منظر را
 و خط رابعی که حاصل شود جیب ارتفاع است و در بالا منظر را
 نظیر آن جزو حاصل باید نمود و سمت را نظیر سمتی که حاصل شود
 منظر دارند) و چون ارتفاع سمت الزمار معلوم شد
 حاصل شد از ارتفاع سمت حاصل می‌نمایم موازیه با
 آنوقت که دوم برچ مندی که از قوس جیب فصل دایره

کام

تمام بعد از مودل النهار قسمت نمودن حال حرکت تمام ارتفاع
 خارج قسمت تمام سمت یعنی جیب سمت از خط
 نصف النهار پس خط را بهی باید حاصل تمام که نسبت خط
 جیب تمام عرض مکه منطبقه مثل نسبت تمام تقاطع بین الطولین
 باشد جیب تمام ارتفاع سمت اگر اس مکه منطبقه و شکل یاز
 متقارن سادس اصول دارد و خط محیط برادیه از یک از رادیه
 مساوی جیب تقاطع بین الطولین جدا و بقدرت معادل
 دارد دیگر مساوی جیب تمام ارتفاع سمت اگر اس جدا
 جیب تمام عرض مکه جدا و هر یک را بقدرت معلوم و بین علامت
 جیب تقاطع بین الطولین و جیب تمام ارتفاع سمت از یک مکه
 منطبقه و اصل دارد علامت جیب تمام عرض مکه خطی موازی آن
 سطح

افعال تمام مکه

اخراج تمام تمام آنچه بین رادیه و محل تقاطع این خط موازی
 نصف رادیه باشد جیب تمام سمت یعنی جیب سمت
 از خط نصف النهار و بهیجه تشخیص سمت در افق مکه
 سمت بین دو ربع از رادیه افق محل سمت باشد
 دو از دهم از متقارن دوم ربع مندی در یکا شمالی اگر
 منطبقه که اگر تمام فضل را بر رادیه از تعدیل النهار نمود با آنچه
 زیاده بود پس حاصل ضرب جیب تمام فضل را در ظل عرض
 بلکه خطا مکه از ظل بعد باشد سمت در جهته بعد باشد و اگر برابر
 ظل بعد باشد سمت از نقطه شرق و مغرب ندارد و اگر
 زیاده از ظل بعد باشد سمت در خلاف جهت بعد باشد یا
 خط را بهی حاصل نمود که نسبت ظل عرض مکه جیب تمام سمت

عرض

جیب تمام فصل دایره آن خط رابع باشد پس اگر آن خط
 رابع دوی ظل عرض که است قبله نقطه مغرب
 یا شرق است و اگر کمتر است در جانب شمال و اگر زیاده
 در جانب جنوب **مثال** همیشه دایره ایست
 بر مرکز و در قطب ۷۰ تقاطع بر قائم و همیشه
 خط نصف النهار و قطرب خط شرق و مغرب و دایره ایست
 تقسیم اخرا و نود کانه شده و مربع ۷۰ تمام نمودیم فوس
 اح دوی میل کل و خط ح ط قائم بر قطرب نمودیم
 خط ط ه جیب میل کل همیشه بر مرکز و مسعود ط ی و
 صغیره ط ب رسم نمودیم و بعد از آن که رسم کردیم
 یکدیگر یعنی شمس و بصره جزا از آنست که اقرب یعنی اول

۱۰۰۰

حل بود شصت و شصت در جدول نقطه ۷ شمس جزا از آن
 نود کانه شمس و شمس شد بنقطه ط و ه را خط ط ی نمودیم
 در نقطه ۷ تقاطع ربع دایره صغیره ط ب شد خط ح ط



عمود بر قطر ۷۰ ب نمودیم عمود ۱۰۰ جیب میل اول اخرا و نود کانه
 در نقطه ۷۰ دوی عرض که منطبق یعنی بیت و بصره جزا
 از اخرا و نود کانه ربع دایره شمس و شمس شد بنقطه ط و ه را خط
 اول اخرا و نود کانه م را وصل و اخراج نمودیم در نقطه ۷۰ منطبق

۱۰۰۰

ضلع ۷ شد ۷ ظل میل اول انحراف است قوس ۷ شد
 مساوی عرض بلد مفروض بعد انچه مساوی عرض بلد است
 از ارقام بود کانه شماره بعد است منتهی علم و سوره را خط
 وصل و شرح نمودیم در نقطه قطع متقی ضلع ۷ شد خط
 ۷ ظل عرض بلد است ۷ فی مساوی ۷ شد خط
 و خط ف ص موازی مع رسم نمودیم ۷ صبه تعیین
 انحراف است که بعد از آن خط میکند زده قوس مساوی
 جدا کردیم خط ا ق سه نهم قوس آنها را انحراف است تفاوت
 بین الطولین بلد مفروض و مکمل منقطه یعنی فضل دار بعد از
 بود کانه از نقطه آس و قوس از می باشد و سوره
 بقطر او نموده عمود د شد صبه فضل دار و آشته سوره فضل دار
 د لای دار

و بطریق مذکور حریف غایت ارتفاع انحراف را اصل نمودیم
 خط ا ت ق را اصل نمودیم و خط ش ت موازی خط ا ت
 جاری هستیم متقی خط ق ت شد ق ت حریف



انحراف است نسبت به مفروض مساوی است به حریف فضل دار و ۷
 مساوی حریف تمام نقص بعد از آن را اصل نمودیم و سوره
 حریف تمام بعد از انحراف از سوره حریف تمام مکمل منقطه خط
 موازی مع رسم نمودیم خط حریف تمام است خط انحراف

خط ا ت ق

خط صبح عمود بر ب نمودیم و غ را وصل کردیم و خط قبله
 به فرض است نسبت بقطر از این نسبت خط نصف النهار
 توسط انحراف است از خط نصف النهار **باب** ششم در استخراج
 سمت الشمس که منقطه بقدره مذکوره در باب ششم باشد
 و تمام ارتفاع بعدین بقدر عرض و که منقطه است و چون در باب
 بعد را بر صدی که معمول علیه باشد بفرستیم فرست بین
 منقوض و که منقطه را معلوم توان کرد **باب** هفتم در معرفت
 انحراف سمت قبله بقدر عرض نسبت بخط نصف النهار و سطح
مثال دایره اب ۱ بمرکز رسم نموده فرض سمت شمال
 نقطه و خطی که بقدر عرض و دایره منبوره دایره افق بقدر عرض
 قطر از خط نصف النهار و نقطه جنوب ۷۰ نقطه شمال

و قطب

و قطب به خط شرق به مغرب به نقطه جنوب ۷۰ نقطه شرق
 و در قطر اب ۷۰ تقاطع بر توانیم نموده در مرکز دایره

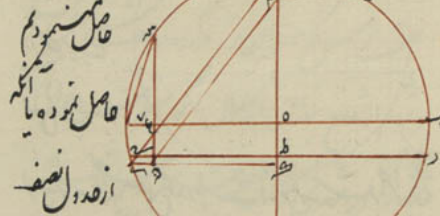


قوسی اربع
 دایره را بقیه
 قوسی اب ۷۰

۷۰ و ۷۰ قوسی که در باب دوم نموده شد در اینجا
 تجربه و حکایت و ارقام معلوم فرمودیم مساوی است
 بین عرض و که منقطه و بقدر عرض از دو نقطه است از ابرای
 نو دکانه شمرده بدو نقطه در سمت شمال و در خط
 وصل نمودیم در نقطه ط تقاطع بقطر از نمود قوسی ۷۰
 ارتفاع عرض است که نسبت الشمس که منقطه میگذرد و خط ط

و قطب

حیث فای ارتفاع آنجا است پس نصف قوس النهار حرکتی
که نسبت آن قوس به خط یغیشت در ربع جزایا است و در ربع
سرطان را باقی بقدر فرض یا بطریق دیگر در باب سیم از ربع



قوس النهار در ربع کتبش در آنجا باشد بر فرض موازی عرض بلد
بر داشته مساوی آن از نقطه آن از برای نود کانه از ربع
بفرض نقطه یا منتهی شد عمود بر خط نصف النهار رسم نمودم
از سهم نصف قوس النهار آنجا است خط موازی را
ح ط نموده آن را وصل نمودیم و مساوی تفاوت این

نمودم

بقدر فرض و که منقطه از نقطه آن از برای نود کانه مشهور بود

بجز آن بود که معلوم نموده خط لا م قائم بقطر او نمودیم خط ام

نصف دایره خط ام موازی با آنجا نمود و خط ح ط

از قوس سمت الرأس که منقطه است به شکل با ارتفاع دانه

اصول و بر پایه که در باب ششم بیان است که نسبت خط افق

سهم نصف قوس النهار به خط ح ط یعنی بحیث فای ارتفاع

مثل نسبت خط ح ط به فای نصف قوس النهار بر مسمی نمودیم

یعنی به خط ام بحیث ارتفاع است عمود بر سهم نصف النهار

رسم نمودیم در نقطه سمت قوس و در نقطه ح ط

نمود سه را وصل کردیم قوس سمت ارتفاع سمت الرأس که منقطه است

نسبت بقدر فرض و قوس سه تمام ارتفاعش نمودیم تمام

ارتفاع

ارتفاع خط سه و تمام ارتفاع است که منقط است
 و بی عرض که یعنی کام میت و یک ربع و دلت درجه
 از نقطه ۱ از آنجا که اندک اندک شده منتهی شد به نقطه و خط
 قائم بقطر از نمودم خط سه نصف قطر مداری که است
 که منقطه یک در ده را وصل نمودیم در نقطه و تقاطع
 صدقه نمود در صد و ب را وصل کردیم هرگاه مجموع دو خط
 ب در سه یعنی مجموع دو وتر این عرضین و تمام ارتفاع
 سمت است که منقطه طول از خط در صد که وتر این الطول است
 خط سه مساوی بد و شصت مساوی در صد و شصت
 مساوی ۷ سه جدا نموده (مخفی نمائید که اگر طول یک
 از طول که منقطه شصت خط سه از نصف قطره و اگر

المراد

کمتر از نصف قطر ۷ و اگر عرض بزرگتر از عرض که است
 خط سه از نصف قطر ۱۰ و آنرا از نصف قطر جدا نمائید

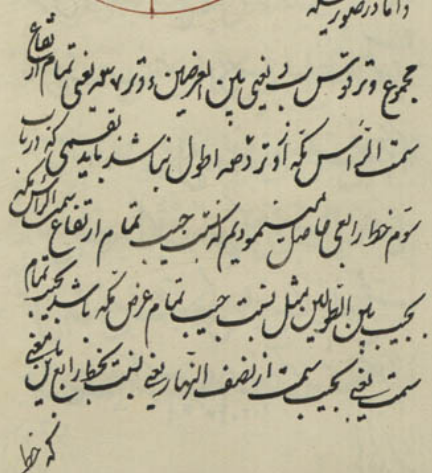


و اگر اندک شود شصت و شصت است از رسم و شصت و ده را وصل
 و خط را که از این خط دایره نموده نقطه ۷ خط سه
 قبله بود فرض است و قوس لا اوقس انحراف سمت قبله از
 خط نصف النهار است **بان** خط سه یعنی در قوس
 بود فرض و که منقطه در سطح دایره نصف النهار بماند بود فرض
 و محل تقاطع آن دایره با جری که سمت است که گذر در سطح

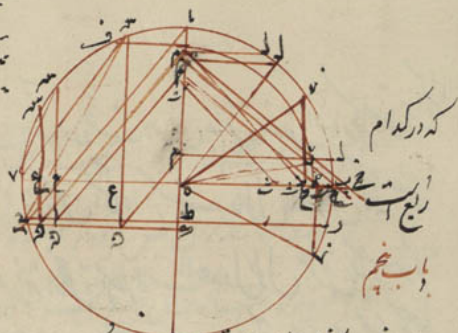
و خط سه

و خط هـ خطی است مساوی در تمام قوس تمام ارتفاع الارض
مکه منقطه یعنی وی در قوس بین الطولین بدر عرض و مکه منقطه
اندازه صغیره که قطر مشرق وی قطر مدار جزئی که سمت الارض
که میگذرد و از نقطه شمس برج شده یعنی مساوی خط
اهل بین محل تقاطع دایره نصف النهار بمرکز و آن
در سطح کره ارض بین مکه منقطه پس لابد از قطع مکه منقطه
و خط هـ یعنی خط سمت قبله بمرکز است و هرگاه
خ مکه منقطه نباشد اگر فرض نمایم در جانب ارض مشرق
خط شمس طول از قوس بین الطولین یعنی طول از
خط دمه خواهد بود و این خلف است و اگر در جانب از
قوس مشرق فرض نمایم خط هـ طول از قوس تمام
ارتفاع

ارتفاع یعنی طول از خط اول بین این فرض یعنی طول از
خط اول خواهد بود و این خلف است پس نقطه خ که منقطه



که خط مساوی غنیمت است و بی فضل را از فضل
بدانموده است و اصل و خط اعظم و موازی است
و خارج نموده عمود و $\frac{1}{2}$ از قطع محیط خارج و $\frac{1}{2}$ اصل
خط و سمت قبله مدغم است مخفی نماید که اگر خط ربع
و خط مساوی نصف قطر باشد سمت قبله بر خط
مشرق و مغرب واقع است و اگر ا طول نصف قطر
محال شد ب خط مساوی بخ جدا خط عمود بود
نمی آید و خط را اصل نمود خط خط سمت قبله خارج
در کل است و ا کلیه اوقات که جهت بین در ربع
محال شده باشد بقسمی که در باب سوم از ربع
جهت را معلوم نمودیم باید جهت سمت را معلوم



در معرفت الحروف سمت قبله معلوم است که
عرض مکعبه را از حوضه اسطلاب مشخص نموده و آن پیش
کلام است دیگر در هر دو محل دقیق و مساوی عرض مکعبه
از مدار اسکل و میزان بجان رأس السطان در صفحه
مخمس سایدی عرض مکعبه شمرده بر خط وسط استواء
به ربع تقی شود بطوری معلوم نموده و صفحه عمود بر آن در آن
جزء از منطقه البروج را آن علامت واقع شود و آن جزء را
قریب بهشت در ربع جزایمیت و در ربع برهان خواهد بود
و آن جزء را

و آنچه در وقت وصول به آن نصف النهار که منطقه است بر آن
 سکنین انجام واقع است و طول بلد مفروض و کوه منطقه را
 نیز از حجره اسطرلاب یا بعد از طول عرض بلاد معلوم
 و فاصل بین الطولین را حاصل و استخراج کنند اگر آن منطقه
 میکند در خط وسط النهار گذارده و می رسد کسی
 از جزیره از اجزای حجره که بر آن جزیره واقع است و
 فاصل بین الطولین بر توالی اجزای حجره گردانیده اگر طول
 بلد کمتر است از طول که منطقه است و خلاف توالی اجزای
 گردانیده اگر طول بلد کمتر از طول که منطقه است و خلاف
 که استخراج منطقه البروج نسبت به رأس که میکند در کدام
 از دایره سمت واقع است بعد در کسی که بر آن دایره سمت
 واقع است

واقع است از دایره سمت معلوم شده با آن سمت که منطقه است
 از خط نصف النهار که مفروض پس اگر دایره سمت در وقت
 الاق صبح مرگوم است بقضای وقوع آن است و در آن
 اگر در جانب یمن صفحه است بقضای نقطه جنوب در جانب شمال
 و هرگاه در جانب یست سمت قبل از نقطه جنوب در جانب
 مشرق و هرگاه در دایره سمت در جانب شمال الاق صبح
 مرگوم است و منطقه باید نمود نظیر آنچه فیضیه است در جهت
 با سمت و در وجهی که ام دایره اردوار سمت
 واقع است بعد از تقصیل عدد آنکه از دایره سمت تا آنکه
 نظیر آنچه در جانب یمن صفحه است استخراج سمت قبل از خط
 نصف النهار در جانب مشرق است و اگر در جانب یمن صفحه

انحراف سمت قبل از خط نصف النهار در جانب مغرب است
 و این در صورتی است که عرض بلد زیاد از عرض کوه منقطه باشد
 و آنکه کم از آن است بر آن مدار است و از منطقه البروج که
 سمت اکثر کوه منقطه بگذرد و دارای معدل النهار است
 حرکت معدل النهار از آن برای آن مدار و می باشد
 جزو دیگر از منطقه البروج که حرکت معدل النهار متحرک است
 آن در جزو دیگر حرکت متحرک اند و آن جزو را خط وسط النهار
 که دارد یعنی آن سمت را در آن نصف النهار آن بلد واقع است
 می باشد که می باشد و تفاوت بین این خط و خط
 آن جزو نیز همان حرکت و تفاوت بین این خط و خط
 در حال آن جزو سمت اکثر کوه منقطه و در آن سمت است

که مکرر در آن

که مکرر در آن سمت و آن سمت و آن سمت که در سطح آن است
 و آنکه این سمت با آن تقاطع نموده و در دو نقطه متقابل
 پس اگر در خط وسط لابل و در سمت رافوق الارض
 رسم سمت در همان جانب است و اگر در آن سمت را
 تحت الارض رسم نموده اند و نظیر آن جزو در آن سمت
 سمت واقع است سمت همان معدل در ربع نظیر آن ربع است
 یعنی ربع شمالی جنوبی و نظیر شمس شمالی و شمس جنوبی
 غروب شمالی و طلوع جنوبی و تحقیق نماید که باشد که آن جزو
 از منطقه البروج بین دو دایره سمتیه واقع شود یا آنکه عرض خط
 وسط لابل موافق عرض بلد باشد اگر خلاف خط و مکان معلوم
 نمایند و الا متوقف بعل تعیل است یعنی اگر آن جزو

این دو در یک سمت واقع شود اولاً همان قسمی که هست مری
 را پس بجای بر هر طرف از آن جری حجه که واقع است آنجا را
 بعد از آنکه پس آنجا را منقطع البروج یعنی پشت درجه جری
 بیت و در درجه سرطان را بر روی یک سمت که در جانب خط
 مشرق و مغرب واقع است گذارده و مری بر هر طرف از آنجا
 حجه واقع شود آنجا را نیز بعد از آنکه منقطع همان سن را در آن
 دیگری که آنجا را بر این دو دایره واقع بود یعنی بر دایره که در جانب
 خط است همیشه گذارده و بعد از آنکه معلوم نموده و فصل رقم
 این دایره اول و دوم را معلوم نموده پس با ربع سمت
 جری این سمت اول و ثانی را از آن جری حجه یعنی
 جری تعدیل که طرف اول است جری این سمت اول و ثانی را

بجای

یعنی جری تفاوت و وسط اول سمت نسبت تعدیل که محمول بود
 ثانی سمت تعدیل این دو در یک سمت یعنی تفاوت و طرف
 جری این سمت اول و ثانی را در فصل این دو دایره
 و حاصل بر جری این سمت ثانی و ثانی قسمت نموده خارج
 قسمت را بر رقم دایره اول یعنی رقم دایره ازان دو دایره که در
 جانب خط مشرق و مغرب است افزوده و حاصل را از آن
 نموده باین احوال سمت قبله بد مفروض است
 و اگر صفحه اسطرلاب در عرض مواضع مفروض باشد اولاً
 در صفحه که عرضش که از عرض بد مفروض و قریب بعضی آن باشد
 بطریق مذکور عمل نموده آنجا را سمت معلوم نمایم و بعد در صفحه
 که عرضش زیاد از عرض بد و قریب بعضی آن باشد نیز

لای

بطریق مذکور اخراج سمت حاصل نموده و فضل بین صفحه اول
عرض بلد و فضل بین عرض دو صفحه و فضل بین دو اخراج را
معلوم نموده و باربعه متاسبه که نسبت فضل بین صفحه اول
عرض بلد طرف اول به فضل بین دو صفحه وسط اول مثل
تبدیل یعنی جدول وسطی به فضل بین دو اخراج است
پس فضل بین صفحه اول عرض بلد را در فضل بین دو اخراج
که در دو صفحه حاصل شده بود ضرب و حاصل را بر فضل بین
دو صفحه قسمت نموده خارج قسمت تبدیل است و تبدیل را
بر اخراج سمت که در صفحه اول حاصل شده باید افزود اگر
اخراج سمت در صفحه ثانی زیاده از اخراج در صفحه اول و
نقصان باید نمود اگر کمتر بوده حاصل یا باقی اخراج سمت قبله

ملاحظه

بگذرد و نسبت بخلاف نصف النهار و هرگاه بخواهند بداند
در هر روزی از روز یا چند ساعت چند دقیقه از روز بگذرد
تعیین آفتاب چند درجه باشد نظر تعییر سمت و تقویم
خط سمت قبله آن بلد است چنانچه در کتب باید معلوم نمود
انجر از منطقه البروج که همایش امجد النهار و وی عرض
که منطقه است در جهت درجه جزای است در هر درجه هر
بعل مذکور و تعییر شادی و تفاوت بین الطولین بر کدام دایره سمتیه
بآن جهت پس کدام دایره سمتیه واقع خواهد بود در هر روز که خواهد
بماند چون در تقویم قیام را در آن روز بر آن دایره باشد
آن دو دایره همان نسبت گذاردند انجر تقویم آفتاب به نقطه
موقوفات آفتاب است و واقع شود شرق یا غرب چون ارتفاع

انجر

آفتاب در آن روز در همان جهت است و آن معظمه شود
 بهیچ سمت خطی که آن بلد و آفتاب در آن
 سمت که سمت اکر اس که معظمه گذرد و واقع است و هرگاه در
 تقویم آن روز آفتاب را بر افق شرقی باشد و در می راست یکی
 نشان کنند و بعد همان درجه آفتاب را بر آن دایره سمت
 منوره یا همان سمت این آن دو دایره سمت منوره که دارند
 و در می نشان کنند و این نشان اول نشان دوم شمارند
 آنچه بشود از این برای محاسبه زمانه نماید یعنی هر چه
 جز در این است محسوب دارند و آنچه کمتر از آن باشد
 هر چه در آن چهار دقیقه محسوب دارند و آنچه که بر آن است و در آن
 منتهی که در آن آفتاب باشد که آفتاب در آن سمت قبله
 آن بلد است

آن بلد واقع است و در این دو سمت هر یک اگر در آن سمت
 تحت الافق رسم کرده باشند یا صفت در عرض و عرض باشد
 و آن جزوین دو دایره سمت واقع شود بطریق مذکور و عمل بعمل
 این الصفت این معمول دارند **باب ششم** در معرفت اختلاف سمت
 بلد مفروض با استخراج از پنج عرض که معظمه و عرض بلد مفروض را
 از جدول عرض بلاد بر داشته عرض که معظمه را در جدول میل
 اول متعین نموده از نقطه البروج ضروری حاصل میشود که سمت اکر
 که معظمه گذرد و هرگاه آن جزو سمت اکر اس که معظمه عرض شود
 منتهی که کوئی است که ارتفاع آن کوئی نسبت به بلد مفروض
 حاصل نمائیم پس باید ارتفاع آن جزو حاصل نمائیم بطریق
 طول که معظمه و طول بلد مفروض را از جدول طول بلاد بر
 فائز

تفاضل بین الطولین بقدر عرض و کما معطی را حاصل نمودنی
 بقضل دایره و آنچه که نسبت الی اس کما میگذرد مستحق محفوظ
 و تمام عرض بلد را در بلاد شمالی از کما بعضی کما افزوده حاصل
 غایت ارتفاع محفوظ اول و در بلاد جنوبی از کما و شمالی از
 خط استوا مجموع تمام عرض بلد و عرض کما را از نصف شمال
 نموده و در بلاد جنوبی از خط استوا مجموع عرض بلد و عرض کما
 از نو نقصان نموده اگر از نو کمتر باشد باقی غایت ارتفاع
 محفوظ اول است و مخفی نماید که اگر آن مجموع زیاده از
 نود باشد محفوظ اول نسبت بان بقضل کما و بقضل
 مجموع برنود غایت انخطاط محفوظ اول است
 یعنی غایت ارتفاع جزوی که نسبت الی اس کما معطی گذرد

نموده اول

نسبت بلد مفروض دهم فضل دایره را از سهم نصف قوس
 محفوظ اول نقصان نموده باقی مستحق محفوظ ثانیه
 ارتفاع محفوظ اول را در محفوظ ثانیه ضرب و حاصل
 بر سهم نصف قوس الزما محفوظ اول قسمت نموده خارج
 جیب ارتفاع محفوظ اول یعنی جیب ارتفاع کما
 کما معطی نسبت بلد مفروض و اما اگر عرض بلد و
 یا زیاده تمام عرض کما باشد تقسیمی در باب سوم مذکور شد
 بجای سهم نصف قوس الزما قطر یعنی نسبت قوس ممره
 بجای جیب ارتفاع محفوظ اول فضل جیب ارتفاع کما
 محفوظ جیب ارتفاع کما آن محسوب داشته و عمل نماید
 رساننده **بران** سطح مدار یومی جزو انقطاع البروج که

نموده اول

بسم الله الرحمن الرحيم
 و از فصل مشترک این دو سطح از احاطه دو خط از این دو خط
 زاویه حاصل شده و از هر خط از اجزای آن مدار که خطی
 عمود بر سطح افقی باشد بر او ایستاده و مثلثاتی که بر او بر آن
 فصل مشترک و زاویه قائمه رسم شود از اضلاع نظارت
 متوازیه نسبت وی دورا و مثلث دورا و مثلث را
 مثلثات نشان می دهند و اضلاع نظارت متوازیه
 و خطی که از آن خبر یعنی از سمت اس که منتهی که مسی
 محفوظ اول شد قائم سطح افقی بله مفروض و نسبت ارتفاع
 آن خبر نسبت بآن بله سبب آنکه موقعی قائم خط بر سطح
 دایره افقی قطری از دایره آن خط آن خبر و واقع که خط

آن خط

دیگر آن قوس ارتفاع گذشته پس آن خط جیب قوس ارتفاع
 و سهم نصف قوس النهار قائم می باشد و فصل مشترک
 سطح افقی بله مفروض و سطح مدار محفوظ اول سبب آنکه



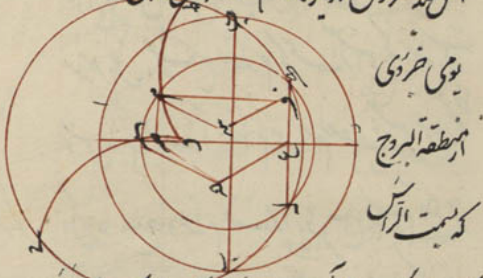
فصل مشترک در
 قوس النهار آن خبر
 می باشد و سهم نصف

قوس النهار خطی است که از نصف قوس النهار بر آن مدار
 گذشته و قائم است بر دو قوس النهار و هرگاه دو خط
 از آن خبر یعنی از محفوظ اول آن مدار و فصل مشترک سهم نصف قوس النهار
 و دیگری مدار و سهم نصف قوس النهار یعنی فصل مشترک آن خارج شود
 متوازی الاضلاع قائم الزوایای رسم شود که متصل آن فصل

نمودار

نصف قوس النهار بر سه هم فصل دایره که مستقیم محفوظ باشد
 همیشه در ارتفاع قیام حجب ارتفاع محفوظ اول نسبت به
 موازی خط نصف النهار یعنی موازی خطی که متوجه حجاب است
 ارتفاع محفوظ اول خارج و در فصل مشترک تقاطع نصف
 قوس النهار شده از این خطوط موازی دو مثلث است
 شده و اضلاع نظائر متساوی است نسبت به ارتفاع محفوظ
 اول سه هم نصف قوس النهار مثلث حجب ارتفاع
 محفوظ اول به فصل سه هم نصف قوس النهار محفوظ اول
 بر سه هم فصل دایره یعنی محفوظ ثانیه بر سه هم محفوظ ثانیه در
 غایت ارتفاع محفوظ اول و یکی سطح حجب ارتفاع
 محفوظ اول است بر سه هم نصف قوس النهار محفوظ اول
 و هر دو هم

در جهت توضیح بر بیان شکل رسم نمودیم باشد دایره
 دایره معدل النهار و نقطه ه بینه فرض و دایره ح ط معدل دایره
 افق بینه فرض و دایره م م معدل موازی معدل النهار طار



یومی خردی
 منطقه البروج
 که نسبت اکثر

که منقطه میکند و در آنجا هم منقطه محفوظ اول است و سطح دایره
 م م معدل دایره افق بینه فرض تقاطع نمود فصل
 ح ط و میباشند نقطه م ح ح منطقه البروج که نسبت اکثر
 که میکند و در منقطه محفوظ اول یعنی سمت اکثر که منقطه
 و نقطه سمت اکثر بینه فرض و قوس م بین القطبین

که آنجا از ضرب جیب شعاع نقطه مفروضه در سهم نصف کره
 آن نقطه فصل دایره معلوم نموده و آنجا از فصل دایره مفروضه
 شعاع آن نقطه را معلوم نمودیم مثال و مؤامره آن شعاع
 که در جدول صفحات بعد نموده میشود و چون شعاع
 مکه منقطه نسبت به مفروض حاصل کرد پس فاصل بین الطولین
 به مفروض مکه منقطه که شعاع دایره جیب از آنجا
 تمام بعد از آن مکه منقطه از جدول النهار یعنی در تمام
 عرض مکه از خط استوا ضرب نموده و از شعاع مکه
 که مستقیماً محفوظ است از ربع دور یعنی از نو نقصان
 نموده حاصل را جیب این باشد که جیب تمام اربع میباشد
 نسبت نیم خارج قوس جیب تمام باشد یعنی خارج

الکادوس

انحراف است قبله به مفروض نسبت به خط نصف النهار اگر
 طول بلد زیاده از طول مکه منقطه است در بلاد شرقی اگر منقطه
 انحراف است قبله آن بلد در جانب مغرب است از خط
 نصف النهار و اگر کمتر از طول مکه است در جانب مشرق
 از خط و در بلاد نصف النهار و هرگاه جهت سمت بین دو بلد
 محل تأمل باشد تقبیری که در باب دوم طریقین تحت عنوان جیب
 نموده شد از ربع از جدول جیب بطریق حساب معلوم باید نمود
 و این عمل خبر باب دارد هم از مقادیر دوم از ربع هندی که
 در وجه آخر نموده است مثال و مؤامره آن در جدول

نموده شد

[illegible]

الف در هر وقت شخصی خط نصف النهار و در این باب طریقی
 بسیار است و آنچه مشهور است بر رسم دایره هند که زمان را
 چنان سطح نمایند که آب بر جانب سیلان کند و معیاری
 بر مرکز دایره قائم سطح دایره نموده و ترصه باید بود قبل
 نصف النهار تا ظل معیاری محیط دایره رسیده و معیاری را
 از محیط دایره که مدخل ظل معیاری است بعد از آن معلوم
 و بعد از نصف النهار نیز ترصه بوده و خارج ظل را از محیط
 بعد از آن معلوم نموده و متصف هر دو علامت در مرکز دایره را
 سطح وصل نموده و آن خط نصف النهار است و این طریق را
 هر وقت از روز شخصی خط نصف النهار نمیشود و چون مقصود
 مشخص نمودن در هر وقت از روز است محتاج بطریقهای

دکتر

دکتر پس باید در وقت مخصوص شغل خود را ویزینه
 و بر ماست و ظل شغل خطی بر زمین کشیده و در همان
 وقت ارتفاع آفتاب را معلوم نموده در وقت تقویم را
 در اسطرلاب در صفحه موازی عرض بلد نقطه ارتفاع آفتاب
 در همین شخص ظل شغل مشخص نموده و ارتفاع شمرده و در
 بر همان نقطه ارتفاع گذارده و علامت نموده که هرگز
 تغییر تقویم پس بر کدام دایره از دایره سمت واقع است
 یعنی بطریق دیگر در باب تخمین خط نصف النهار معلوم
 و خطی که ماست و ظل شغل کشیده شده بود را
 و بطریق مذکور محیط دایره را با خط ترصه و نصف گانه تقسیم
 و از موقع تقای آن خط محیط دایره از برای سید و شصت گانه

مدی

مادی هستی که حاصل شد بقضای جهت شمرده
 بهر جا که منتهی شود این نقطه منتهی الیه و مرکز دایره را خطی
 وصل نموده خط نصف النهار است و هرگاه که
 بهتاج از ربع معلوم نماید بطریق ارتفاع سمرقند
 سمت ان نصف النهار حاصل میشود از ارتفاع سمت
 خط نصف النهار حاصل نماید نیم بجای تمام بعد
 سمرقند که از معدل النهار انجا جای تمام میل شود بقوم
 و بجای تمام ارتفاع سمت سمرقند که بجای تمام ارتفاع
 آفتاب را حاصل نموده بطریق مذکور از ربع معلوم النهار
 معلوم نمود و هرگاه که نیم بدین سطرلاب از ربع معلوم
 معلوم نماید اولاً چنانچه مذکور شد شاخه در اوخته و برآید

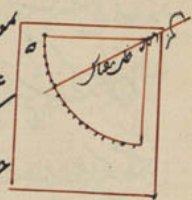
لاکون

خط شاقول خطی کشیده و در همان وقت ارتفاع سمت سمرقند
 معلوم نموده و چنانچه قبلاً ربع یک قسم است که بر صفحه متوازی
 الاضلاع قائم الزوایا ربع دایره رسم نموده چنانچه در
 طر فاین آن ربع دایره متوازی ضلعی از اضلاع آن
 متوازی الاضلاع باشد و مرکز ربع دایره منتهی
 سمرقند عمود بر صفحه نموده و شاخه را از تقیاس اوخته
 و چنان صفحه را نگاه دارند که سمت او سطح صفحه یعنی ضلع
 آن متوازی الاضلاع محاذی آفتاب و شاخه را بر صفحه
 ربع دایره واقع باشد پس ملاحظه کنند این خط منتهی
 طرف نصف قطر دیگر از جانب فوق چنانچه در خارج نمود
 است چنانچه باشد ارتفاع وقت است چنانچه در شکل

هر یک از دو

نموده

نموده شده یا اینکه بدین جهت
 شغل از مرکز ربع دایره او مشخص
 چنان بداند که شعاع بصر از ضلع
 فوقانی صفحه مستقیم آفتاب باشد یعنی ظل و قاعده برآمد که
 نیز که در صفحه ضلع فوقانی باشد برآمده از آن ضلع باشد
 یا قاعده که در آن برآمد که باشد شعاع آفتاب برآمده از
 آن ضلع باشد بر این طرف باشد
 قطر ربع دایره و موقع تقاطع شغل
 از اجزای بودگاه شماره پنجم باشد ارتفاع و است
 و چون ارتفاع معلوم شد قسمی که در باب سوم از ارتفاع
 جیب ارتفاع جیب غایت ارتفاع آفتاب است که در باب دوم از ارتفاع



فراگرفته

حاصل نموده و عکس عمل مذکور که از فضل و ارتفاع حاصل می شود
 اینجا از ارتفاع فضل و ارتفاع معلوم می آید یعنی شکل از فضل و
 اصول خط را می حاصل می آید که در جیب غایت ارتفاع جیب
 ارتفاع مثل نسبت به نصف قوس النهار بر آن خط رابع باشد
 فصل به نصف قوس النهار بر آن خط رابع است و فصل و ارتفاع
 از سهم فضل و ارتفاع جیب فضل و ارتفاع معلوم می آید (مخفی نمائید که چون
 فضل و ارتفاع معلوم شود هر یک از دو جزء از اجزای بودگاه ربع دایره
 از فضل و ارتفاع را یک سمت مستوی و هر یک از اجزای بودگاه ربع دایره
 داشته اگر ارتفاع ششم در سمت غایت و دقایق مانند نصف
 النهار است و اگر ارتفاع غایت در سمت غایت و دقایق گذشته از
 از نصف النهار است) و نیز خط رابع دیگر حاصل می آید که نسبت

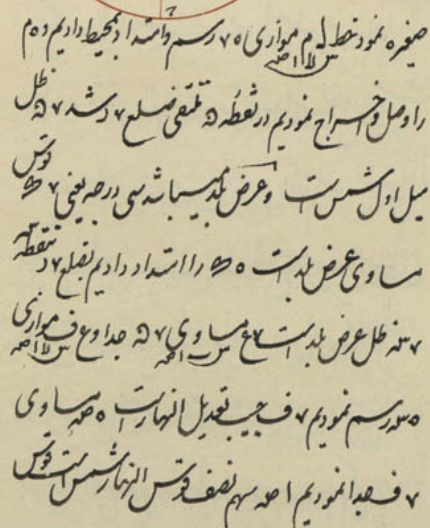
حاصل

چون تمام اشیاء بحسب فضل یا بر مثل نسبت بحسب تمام
اول آفتاب است مثل النهار بان خط رابع باشد از خط رابع
چون آفتاب است از خط نصف النهار بر کان و خط
مذکور است و این حقیر معرفت خط نصف النهار در هر
و هر بلد منظره قهقاری دیگر اگر کتاب جواهر الزیجی نوشته

اینجا به این گفته نمودند **ل** می باشد دایره اب^۷
 بکره و دو قطر ا و ب متقاطع توأم و هر یک از ا و ب^۸
 با جزا خود کانه بخیزد و ربع دایره صغیره نصف قطره ط و ی
 جیب یک کسره شده اند اما در صورتیکه عات نصف النهار
 یا قبل از نصف النهار معلوم است بفرص و عرض بعد از نصف
 شمس در اول غروب می باشد بعد از آن ال از ب سی از صغیره

کے درمیان

سی درجه از نقطه ہشتم و نهمی نقطہ ششم و از خط



۷۴۵

و باین عمل بطریق مذکور است و بر همان چنانچه مکرراً ملاحظه شده
باب ششم در معرفت سمت قبله بمغروض بعد از تشخیص آن
 سمت از خط نصف النهار چه بدایره و سطح کره یا مستطاع
 از سطح لاب یا استخراج از ربع یا ربع مجیب و تشخیص خط
 نصف النهار بر مکرر که بر خط نصف النهار واقع باشد دایره
 رسم نموده و با جوار سیمه و شصت گانه تقسیم نموده و از
 متوقع تقاضای خط نصف النهار بحیث دایره مسوکی می کشیم
 بجهت و جانی که باید از اجزا محیط شصت دایره هر جا که تقاطع شود
 خطی بر مکرر دایره وصل نموده و اگر دایره خط نصف النهار در این
 رسم نموده اند این خط بینه خط سمت قبله بمغروض می کشیم که
 نموده و اگر در سطح صغیر دیگر رسم شده باشد خط نصف النهار

که در آن معلوم

که در آن صفحه رسم شده بر خط نصف النهار که در میان کشیده
 باید که دارد در هر صورت مکرر دایره نموده و بمغروض و خط سمت
 انحراف سمت قبله بمغروض است نسبت خط نصف النهار و الله اعلم
خاتمه لازم نیست که در فائمه قواعد آن که هر کس قطع
 نظر از اطلاع بر علوم ریاضی ممکن باشد درج نماید این سنده
 حقیر انحراف سمت قبله بعضی از بلاد معروفه را با استخراج از ربع
 هندی بمواضع که خود حقیر مسوین نموده و در باب ششم ملاحظه
 معلوم نموده که چون خط نصف النهار دایره را بر خط نصف النهار
 بمغروض که دارند مکرر دایره را بمغروض فرض نمائیم خطی که آن
 آن بلد و آن مرقوم است آن خط سمت قبله آن بلد است
و دیگر بطریق سطح و تقسیم ربع سکون که آن محل تقاطع دایره
 که معلوم

خط استوا که رقم عرض دارد سطح کره ارض خود را خط موازی
 خط استوا را با زاویه درجه عرض بلاد را خط استوا بجا
 شمال می باشد برآید چند درجه چند درجه و خطوط عمود بر خط
 محیطی با زاویه درجه عرض طول بلاد است از خط استوا
 که هر یک غیر از دایره نصف آن بلاد است برآید درجه
 و این هر یک نسبت به قوس طول عرض و خط نقاط
 یک یک درجه منقسم شده و بعضی از بلاد را موازی طول عرض
 بلاد درجه ای خود درجه و خط دایره صبره و اسم آن بلد معلوم
 نموده و هرگاه بلدی انحراف سمت می کشد مطلوب باشد
 و در نقشه مرسوم باشد با زاویه طول عرض آن بلد که در جدول
 طول عرض بلاد مرسوم است در تقاضای درجه عرض طول عرض

آن بلد

آن بلد که در خطوط طول عرض نقشه مرسوم است بمطابق رسم نموده خطی که
 از علامت بلد مرسوم علامت که منقطه وصل در اسراج محیط
 دایره بمرکز علامت که منقطه نموده و نیز خطی از علامت بلد مرسوم
 بر تقاضای موازی خط نصف النهار که منقطه رسم نموده
 که تقاطع خط استوا شود (مراد از خط گذاردن سطر است
 علامت بلد مرسوم و علامت که منقطه یا علامت بلد مرسوم
 موازی است خط نصف النهار که منقطه) و سوی عدد درجه
 این این خط موازی خط نصف النهار که خطی منحنی که از بلد مرسوم
 در خلاف جهت نصف النهار که است از خط استوا رسم نموده
 از موقع تقاضای خطی که از علامت بلد مرسوم و منقطه خارج می شود
 از درجه است محیط در خلاف جهت خط نصف النهار که منقطه باشد

در

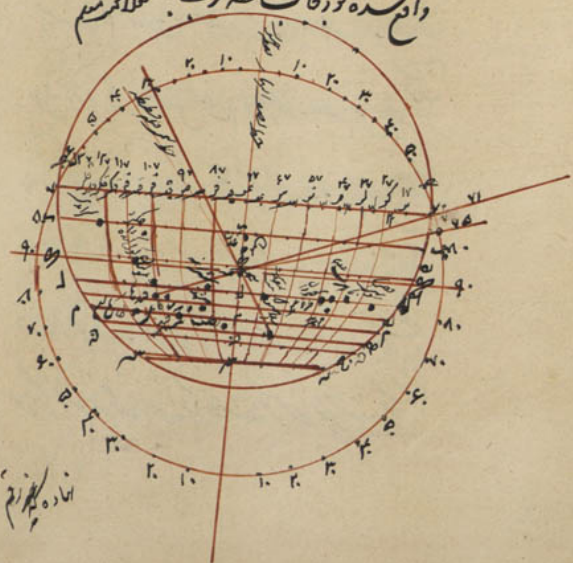
دینی اگر تو مع تعالی استخط محیط دایره در جانب ربع جنوبی باشد
 بجانب نقطه مغرب و اگر در ربع شرقی جنوبی باشد
 بجانب نقطه شرقی باشد (بر هر حال که بعکس معکم و خطی
 دایره یعنی بعکس که منقطه وصل نماید استخط خطی قله
 بدفعه و منبت خط نصف النهار آن بدین معانی
 که منقطه دایره بین طرف این و طرف خط نصف النهار که
 منقطه یعنی نقطه شمال یا مغرب واقع است از در جانب
 از جانب اقرب انحراف قوس که آن بدفعه و منبت
 جنوبی شمال و غیر طریق رسم نقشه را بر این در باب
 از مقاله اول کتاب جواهر الزیج بدین مندرجه و اینجا هر که
 مثال آوردم در رسم نقشه مرور و طریقه عمل آن

در قوس

دار قوسهای بعضی از بلاد معروفه که از ریج هندو استخراج
 نموده خط نصف النهار را بر خط نصف النهار بلد
 مفروض گذاشته خطی که اسم بلد مفروض بر آن نوشته
 خط سمت قله آن و ارقامی که در محاذی رقم در جانب
 و دقایق انحراف قوس که آن بلد است از خط جنوب



دو سطر آرا را بعلت قند و موازی خط نصف النهار که
 بین قطره نمودیم متقی خط استوا شد معادل چهار ضلع
 از برای هر قوسه در خط استوا از برای هر خطی که علامت
 در برابر است سطر آرا بجانب قطره واقع معادل
 چهار ضلع را در برای خط دایره از علامت اول که سطر آرا
 واقع شده بود جانب نقطه مغرب بوده سطر آرا را که خط



نموده که رقم

نموده که رقم ۷۵ از برای نمودن کانه مغرب جنوب است مرکز دایره
 یعنی علامت کانه منقطه و علامت دیگر که بر رقم ۷۵ واقع خطی بود
 یعنی بمجاذات ضلع سطر آرا است قبله قند را است و انحراف از خط
 جنوب یعنی از خط نصف النهار قند که جانب مغرب قوسه ۷۵ درجه را
 یعنی از نقطه مغرب حقیقی بازده درجه بجانب جنوب است دارد

مثال دیگر قوسه اسلامبول و انحرافش از خط نصف النهار

مطلوب است از جدول طول عرض بلاد غرض اسلامبول را ۴۰
 چهل و نهم درجه و طولش را ۲۸ درجه و سی دقیقه و سی
 ثانیه و در خط ۴۰ درجه بر رسم نوب و سب علامت و رقم اسلامبول
 مرقوم و سطر آرا را اولاً بعلت اسلامبول و مرکز دایره علامت
 نموده متقی خط در حواله رقم باشد مرکز سطر آرا را از محیط دایره

کردم



